



دانشگاه و توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی دانشجویان

داود پرچمی (دکتر، استادیار، دانشگاه شهید بهشتی)

dp206pd@yahoo.com
d-parchami@sbu.ac.ir

چکیده:

نقش، مجموعه انتظارات اعضای گروه از فردی است که در یک موقعیت اجتماعی خاص قرار می‌گیرد و افراد این انتظارات یا هنجارها و ارزش‌های مرتبط با موقعیت اجتماعی را در فرایند اجتماعی شدن خود درونی می‌کنند. نظم اجتماعی انتظارات آگاهانه نهادینه شده از نقش‌هاست و نظم کامل به معنی همسویی و هماهنگی اجزای نظام اجتماعی یا اجزای هر یک از خرده نظام‌های آن با هم، در جهت ایجاد تعادل یا دستیابی به اهداف جامعه، که پاسخگویی به نیازها برای رسانیدن انسانها به هدف غایی خلقت خود می‌باشد و زمانی محقق می‌شود که قواعد برقراری روابط بین اجزای جامعه بر مبنای یک جهان بینی خاص به گونه ای تنظیم شده باشد که این هدف محقق گردد و همچنین اعضای آن جامعه در فرایند اجتماعی شدن خود توانایی لازم برای رعایت این قواعد در موقعیت‌های اجتماعی مختلف ایفای نقش‌های اجتماعی را داشته باشند. دانشگاه بخشی از ساختار اجتماعی نهاد علم در جوامع جدید است و در کنار سایر نهادهای اجتماعی کننده، نقش مهمی در ارتقاء توانایی دانشجویان برای پذیرش و ایفای نقش‌های اجتماعی آتی در فرایند اجتماعی نمودن آنان دارد.

جامعه آماری این تحقیق دانشجویان ۵ دانشگاه تهران، شهید بهشتی، شریف، علوم پزشکی شهید بهشتی و هنر بوده و با ۱۴۷۰ دانشجو شامل ۷۶۰ نفر مرد و ۷۱۰ نفر زن مصاحبه بعمل آمده است. میزان توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی در ۰/۲ درصد دانشجویان خیلی خیلی زیاد، ۶/۲ درصد خیلی زیاد، ۳۳/۲ درصد زیاد، ۴۶/۶ درصد کم، ۱۳/۴ درصد خیلی کم و ۰/۴ خیلی خیلی کم بوده است. میانگین توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی دانشجویان ۳/۳۲ از ۶ یعنی بین کم تا زیاد یا متوسط با انحراف معیار ۰/۸۰ می‌باشد. همبستگی توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی با شرایط دانشجویان $(r = 0.29^{++})$ و همبستگی آن با شرایط دانشگاهی دانشجویان $(r = 0.50^{++})$ است که رابطه‌ای نسبتاً قوی می‌باشد. تحلیل چند متغیری متغیرها بیانگر آن است که رابطه‌ی متغیرهای مورد بررسی با توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی بطور همزمان $R^2 = 0.687$ می‌باشد و می‌توانند $R^2 = 0.47$ از تغییرات توانایی ایفای نقش دانشجویان را تبیین نمایند. بطور همزمان بیشترین سهم تبیین تغییرات توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی دانشجویان را به ترتیب رضایت از دانشگاه $\beta = 0.314$ ، چگونگی اداره علمی دانشگاه $\beta = 0.224$ ، شرایط اجتماعی دانشجویان $\beta = 0.210$ ، خلاقیت $\beta = 0.169$ ، شرایط سیاسی دانشجویان $\beta = 0.126$ و شرایط اقتصادی آنان $\beta = -0.092$ به عهده داشته‌اند. ضریب بازنمایی نظم کامل در این تحقیق $Io = 0.29$ هست و بیانگر نظم کامل ضعیف در دانشگاه‌هاست.

کلید واژه‌ها: نقش اجتماعی، جامعه پذیری، نظم اجتماعی، آموزش عالی، دانشگاه و پیشرفت



۱. مقدمه:

نظم کامل به معنی همسویی و هماهنگی اجزای نظام اجتماعی یا اجزای هر یک از خرده نظام‌های آن با هم، در جهت ایجاد تعادل یا دستیابی به اهداف جامعه، که پاسخگویی به نیازها برای رسانیدن انسانها به هدف غایی خلقت خود می باشد، زمانی محقق می شود که قواعد برقراری روابط بین اجزای جامعه بر مبنای یک جهان بینی خاص به گونه ای تنظیم شده باشد که این هدف محقق گردد و همچنین اعضای آن جامعه در فرایند اجتماعی شدن خود توانایی لازم برای رعایت این قواعد در موقعیت‌های اجتماعی مختلف ایفای نقش‌های اجتماعی را داشته باشند. در این فرایند چگونگی عملکرد موسسات و نهادهای اجتماعی کننده اعم از خانواده، مدرسه، دانشگاه و رسانه‌ها نقش مهمی در آموختن، درونی کردن و ارتقاء میزان آمادگی و توانایی‌های ایفای نقش‌های اجتماعی در بین اعضای جامعه دارند. دانشگاه بخشی از ساختار اجتماعی نهاد علم در جوامع جدید است و در کنار سایر نهادهای اجتماعی کننده، نقش مهمی در ارتقاء توانایی دانشجویان برای پذیرش و ایفای نقش‌های اجتماعی آتی آنان در فرایند اجتماعی نمودن دانشجویان دارد. ناکارآمدی دانشگاه‌ها در این زمینه می تواند موجب اختلال کارکردی در جامعه گردیده و روند توسعه و پیشرفت آن را مختل نماید. این مقاله چگونگی ارتقاء توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی دانشجویان را مورد مطالعه قرار داده است.

۲. چارچوب نظری:

دانشگاه بخشی از سازمان اجتماعی نهاد علم است که از مجموعه‌ای از نقش‌ها و الگوهای تثبیت شده عمل برای تولید مستمر علم و ارتقاء توان بکارگیری آن جهت پیشرفت جامعه و اعضای آن تشکیل شده است. (پرجمی، ۱۳۹۰: ۶۷) همچنین پیشرفت علمی فرآیند مستمر تولید علم نافع و ارتقاء توان بکارگیری آنها در سطوح خرد، میانه و کلان برای پیشرفت افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای وکل جامعه می باشد (پرجمی، ۱۳۸۹: ۱۵۲) و در صورتی محقق خواهد شد که کنشگران مختلف در نهاد علم و سازمان اجتماعی آن یعنی دانشگاه، نقش‌های خود را بطور کامل و در جهت تقویت هم ایفا نمایند و موجب کارآمدی نهاد علم شوند. نهاد علم کارآمد در حرکت نظام اجتماعی به سوی یک نظم پویا و کامل، موثر است و ناکارآمدی آن موجب اختلال در خرده نظامهای جامعه می‌گردد.

مهمترین کارکردهای نهاد علم تولید و انتقال دانش، تربیت نیروی انسانی متخصص و انتقال الگوهای فرهنگی برای پاسخگویی به نیازهای جامعه می‌باشند. جامعه برای رفع نیازهای خود نیازمند روش‌های جدید و بهینه‌ی ارضای نیازهاست که این روش‌ها و وسایل آن با تولید دانش و اکتشافات و اختراعات ناشی از آن و همچنین آموزش و ارتقاء سطح مهارت اعضای جامعه برای بکارگیری آنها حاصل می‌شوند. آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر کارکردی است که نقش و نفوذ نهاد علم را در ایجاد تغییر و ثبات در نهادهای دیگر گسترش می‌دهد. علاوه نهاد علم ارائه دهنده الگوهای تخصصی و فرهنگی برای ایفای نقش‌های تخصصی و عمومی در جامعه است (پرجمی، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

در تقسیم‌بندی دیگر می‌توان کارکردهای نهاد علم را به سه دسته کارکردهای آشکار، مخفی و منفی تقسیم نمود. کارکرد آشکار نهاد علم تولید و انتقال دانش و تربیت نیروی انسانی ماهر و کارکرد مخفی آن تغییر ارزش‌ها، افزایش آگاهی (صرف نظر از مهارت و تخصص)، مشارکت در جامعه‌پذیری افراد و تاثیر گذاری بر نظام قشربندی و تحرک اجتماعی و از کارکرد منفی آن تک بعدی نمودن ایفاگران نقش‌ها در این نهاد، تولید انواع آلودگی‌ها و خطراتی که در اثر به کارگیری علم و به خصوص محصول نهایی فنی آن یعنی تکنولوژی، محیط زیست و حیات بشر را تهدید کرده است می توان نام برد. علاوه براین نهاد علم تنها نهاد اجتماعی است که دارای کارکرد تغییر آوری و نظم آفرینی پویاست. کارکرد تغییر آوری و نظم آفرینی نهاد علم در صورتی که پیشرفت علمی، نظم در جامعه را تقویت نماید علاوه بر رشد مضاعف خود، موجب پیشرفت جامعه نیز خواهد شد.



برای تقویت نظم در جامعه لازم است در فرآیند پیشرفت علمی رویکرد نهاد گرایی در دو سطح خرد و کلان مورد توجه باشد. نهاد گرایی علمی در سطح خرد که موضوع این مقاله است به معنی نقش محور شدن نهاد علم می‌باشد. نهاد علم در تربیت نیروی انسانی خود اعم از ارتقای دانش فنی و جامعه پذیری و انتقال فرهنگ، افزایش توانایی برای ایفای نقش‌های اجتماعی که افراد عموماً در جریان زندگی خود اختیار می‌کنند را محور قرار داده و دانش و مهارت لازم برای ایفای نقش‌های اجتماعی عام را به افراد انتقال و از تک بعدی نمودن آنها برای ایفای نقش شغلی پرهیز نموده و مهارت‌ها بگونه‌ای ارائه می‌شود که ایفای نقش‌های شغلی افراد در نهادهای مختلف، و دستیابی به هدف آن نهادها را تسهیل نماید (پرچی، ۱۳۹۰: ۹۳). به عبارت دیگر مفهوم مرکزی نهادگرایی علمی در سطح خرد ارتقاء آمادگی و توانایی پذیرش و ایفای نقش‌های اجتماعی مختلف دانشجویان پس از اتمام تحصیلشان می‌باشد که می‌بایست در دوران تحصیل در دانشگاه محقق شده باشد. قابل ذکر است که دانشگاه به عنوان یکی از موسسات اجتماعی کننده مورد بررسی قرار گرفته و دیگر موسسات نیز نیازمند مطالعه می‌باشند.

۱.۲. نقش اجتماعی (Social Role) :

گافمن و برخی دیگر از نویسندگان کنش متقابل گرا در تحلیل‌هایشان از مفهوم نقش اجتماعی که از تئاتر عاریت گرفته شده استفاده می‌کنند. نقش جنبه پویای پایگاه است. وقتی ما یک پایگاه را اشغال می‌کنیم یک نقش را بازی می‌کنیم. نقش مجموعه‌ای از انتظارات رفتاری مربوط به یک پایگاه است (Kendall, 2010, 105). نقش عبارت است از مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری مورد انتظار و مسئولیت‌ها و مزایای مربوط به یک جایگاه اجتماعی خاص (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۹۲). نقش ترکیبی از رفتارهایی است که از ماسر می‌زند و دیگران آنها را می‌پذیرند (Turner, 1994, 49). زیرا ما و دیگران در فرایند اجتماعی شدن خود هنجارها و ارزشهای مرتبط با موقعیت‌های اجتماعی که در آن قرار گرفته‌ایم را آموخته، درونی کرده و با رعایت آنها کنش متقابل بین ما شکل می‌گیرد. انتظاراتی که به صورت اجتماعی تعریف می‌شوند و افراد در موقعیت‌های اجتماعی از آن پیروی می‌کند. نقش‌ها انتظارات تعریف شده اجتماعی از فردی که در یک پایگاه یا موقعیت اجتماعی قرار گرفته و از طریق اجتماعی شدن، درونی کرده و ظرف و راهنمای رفتارهای او هستند می‌باشند. اشغال یک پایگاه، مستلزم توجه به رفتارهایی است که در فرهنگ جامعه پیرامون آن پایگاه الزام شده، و همسازی این رفتارها با نیازهای شخصی و انتظارات دیگران که موقعیت‌های مشابه یا متفاوتی را در یک وضعیت اشغال کرده‌اند می‌باشد (Giddens, 2009, 264). نقش اجتماعی رفتار مورد انتظار از فردی است که در موقعیت اجتماعی معینی قرار گرفته است. در هر جامعه‌ای افراد بر طبق زمینه‌های گوناگون فعالیت‌هایشان نقش‌های اجتماعی مختلفی بازی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۷۸۶). نقش اجتماعی کار معینی است که به شخصی سپرده می‌شود. (آگبرن و نیم کوف، ۱۳۸۰: ۶۹) از نظر پارسونز نیز نقش کاری است که کنشگر آن را انجام می‌دهد و منزلت جایگاه ساختاری فرد را تعیین می‌کند (ریتزر، ۱۳۷۹: ۱۳۵). برگر و لاکمن معتقدند نقش انتظاری است که از نمونه‌های اجتماعی در موقعیت‌های مختلف وجود دارد. آنها بر خلاف پارسونز که معتقد بود نقش مقوله‌ای عینی است، برای نقش عینیت قائل نیستند. آن‌ها معتقدند که نقش پیوند دهنده‌ی جهان خرد و کلان است. به عبارت دیگر نقش میانجی فرهنگ و آگاهی است (همان: ۳۶۲). لینتون مفهوم نقش را در ارتباط با مفهوم پایگاه تعریف می‌کند. او پایگاه را یک موقعیت در سیستم اجتماعی، مانند فرزند و یا پدر و مادر تعریف نموده است. پایگاه مرتبط با مفهوم نقش است که به رفتار مورد انتظار از مردم در یک موقعیت ارجاع می‌شود. نقش شامل ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهایی است که از سوی جامعه به فرد یا افرادی که این پایگاه را اشغال می‌کند داده می‌شود. در واقع نقش جنبه‌ی پویایی پایگاه را نشان می‌دهد. هر فرد از نظر اجتماعی به پایگاهی منسوب است و آن پایگاه را در ارتباط با پایگاه‌های دیگر دارد. در نتیجه نقش و پایگاه جدایی‌ناپذیرند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۲۹۳). لوینسون سه متغیر نقش، شخصیت و پایگاه اجتماعی را مد نظر قرار داده و بر این اساس سه تعریف از نقش آورده است:



۱. می‌توان نقش را به عنوان اقتضاهای ساختاری معین (هنجارها، انتظار و تابو و مسئولیت) تعریف کرد که با موقعیت اجتماعی معین ارتباط دارد. نقش چیزی بیرون از فرد است، مجموعه‌ای از فشارها و امکاناتی است که فعالیت‌های کارکردی فرد را در سازمان جهت، راهنمایی، حمایت یا از آن جلوگیری می‌کند.
۲. جهت‌گیری یا مفهوم عضوی که در بخشی از سازمان فعالیتی انجام می‌دهد. تعریف درونی فرد از موقعیت اجتماعی خود اوست که درباره‌ی آن فکر و عمل می‌کند.
۳. کنش‌های فردی اعضا، به کنش‌ها نیز بر حسب ارتباط آن‌ها با ساختار اجتماعی توجه می‌کند. نقش ویژگی شخص کنشگر است و کمتر بر حسب محیط هنجاری تعریف می‌شود (همان، ۲۷۰).

طبق نظریه‌ی زنانیکی هر نقش اجتماعی بیانگر آن است که بین فرد ایفا کننده‌ی نقش که به این ترتیب شخص اجتماعی نامیده می‌شود و مجموعه‌ای کوچک یا بزرگ انسانی که با او در ایفای آن نقش مشارکت دارد و می‌توان آن را حلقه‌ی اجتماعی او نامید، پیوند عمومی وجود دارد که با یک سلسله ارزش‌های معین شکل می‌گیرد و آن ارزش‌ها با قاطعیت درک می‌شوند. (همان: ۲۹۸) به عنوان مثال در خانواده نقش پدری وجود دارد و فردی این نقش را بر عهده می‌گیرد و به تبع آن وظایفی دارد و انتظاراتی از او می‌رود. از طرف دیگر نقش‌های مادری و فرزندنی نیز در خانواده وجود دارد که همه‌ی این نقش‌ها با هم حلقه‌ی اجتماعی را تشکیل می‌دهند که با هم ارتباط دارند. ال. هارتلی و آر. ای. هارتلی نقش را نمایشگر استانداردهای پذیرفته شده جامعه در پیوند با الگوهای رفتاری، نگرشها و ارزشهای مورد انتظار افرادی که موقعیت‌های خاصی را در گروه در اختیار دارند می‌دانند (ماری روس، ۱۳۷۲: ۱۵۳). روزن باوم نیز نقش اجتماعی را مجموعه انتظارات رفتاری مبتنی بر هنجار که توسط محیط اجتماعی به فردی که دارای یک موقعیت معین است، القاء می‌شود معرفی می‌کند (روزن باوم، ۱۳۶۷: ۸۳).

با توجه به آنچه در تعاریف مختلف آمده می‌توان گفت نقش مجموعه انتظارات اعضای گروه از فردی است که در یک موقعیت اجتماعی خاص قرار می‌گیرد و افراد این انتظارات یا هنجارها و ارزشهای مرتبط با موقعیت اجتماعی را در فرایند اجتماعی شدن خود درونی می‌نمایند. میزان رعایت این انتظارات ملاک و معیاری برای:

- ۱- در سطح خرد معیار موفقیت فرد در موقعیت قرار گرفته توسط خود او و سایرین،
- ۲- در سطح میانه معیار کارآمدی موسسات اجتماعی کننده جامعه،
- ۳- در سطح کلان وجود نظم اجتماعی در جامعه است.

زیرا پای بندی به نقش‌های اجتماعی موجب کارآمدی نهادها و نظام اجتماعی در دستیابی به اهدافشان خواهد شد.

۲.۲. اجتماعی شدن و دانشگاه:

اجتماعی شدن (Socialization) را می‌توان فرایند درونی کردن و یادگیری چگونگی ایفای نقش‌های اجتماعی دانست. زیرا اعضای جامعه در این فرایند می‌آموزند هنگامی که در موقعیت‌های مختلف اجتماعی قرار می‌گیرند، دیگران چه انتظاری از آنها دارند و چگونه باید رفتار کنند و یا به عبارتی دیگر چگونه ایفای نقش نمایند. جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن فرایندی است که به انسان راه‌های زندگی کردن در جامعه را می‌آموزد و ظرفیت‌های او را در جهت انجام وظایف فردی و به عنوان عضو جامعه توسعه می‌بخشد (کوئن، ۱۳۸۲: ۱۰۳). به عبارتی دیگر جامعه‌پذیری فرایندی است در طول حیات انسان که رفتارها، باورها، ارزش‌ها و فرهنگ جامعه را آموخته و جزئی از شخصیت خود می‌نماید. می‌توان اجتماعی شدن را فرایند انطباق فرد با جامعه از طریق تعامل بین آنها دانست. اجتماعی شدن یک روند مستمر و دائم است که در جریان کنش متقابل افراد با دیگران به موجب شناسایی فرد به عنوان موجودی مستقل از دیگران می‌گردد.



اجتماعی شدن به طور رسمی و غیر رسمی انجام می‌پذیرد. نهادهای آموزشی از نهادهای رسمی هستند که به صورت ساخت یافته‌تری، مسئول انتقال شیوه‌های پذیرفتن عمل و اندیشه‌ی جامعه به فرد هستند. در عین حال، اجتماعی شدن ممکن است از طریق روابط متقابل با گروه‌های همبازی یا عضویت در گروه‌های غیر رسمی و باشگاه‌ها نیز صورت پذیرد (کوئن، ۱۳۷۶: ۱۱۰).

جامعه پذیری فرایندی است که مردم می‌آموزند چگونه در جامعه شان دارای صلاحیت و شایستگی باشند؛ این فرایند به آنها تعریف جامعه‌شان از رفتار انسانی را می‌آموزد. بدون جامعه پذیری جامعه‌ای نمی‌تواند وجود داشته باشد. جامعه شناسان معتقدند که اجتماعی شدن بدون ارتباط ممکن نیست. جامعه‌پذیری فرایندی است که از طریق آن مردم ارزش‌ها، هنجارهای رفتاری، دانش و مهارت‌های جامعه‌شان را می‌آموزند. جامعه‌پذیری دو کارکرد مهم برای جامعه دارد: به اعضای جدید می‌آموزد که چگونه بر طبق انتظارات اجتماعی عمل کنند، و همچنین فرهنگ جامعه را به نسل جدید منتقل می‌کند. (Gould, Marie, Howson, Alexandra, 2011:160A)

جامعه پذیری به فرایندی اشاره دارد که افراد بوسیله درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و آموختن چگونگی انجام نقش‌های اجتماعی (به عنوان یک کارگر، همسر و دوست) تبدیل به عضوی از جامعه می‌شوند. جامعه‌پذیری در موقعیت‌ها و نهادهای مختلفی نظیر خانواده، سیستم آموزش و محل کار اتفاق می‌افتد. (Gould, Marie, Howson, Alexandra, 2011:169B)

جامعه‌پذیری را می‌توان نوعی از آموزش اجتماعی دانست که وقتی فردی با دیگران ارتباط دارد اتفاق می‌افتد. در حالی که برخی اعتقاد دارند این فرایند محدود به ساله‌های کودکی است، دیگران بحث می‌کنند که جامعه‌پذیری یک فرایند ادامه دار است که در همه مراحل زندگی اتفاق می‌افتد (Gould, Marie, 2011:126).

جامعه‌پذیری راهی است برای اینکه افراد تبدیل به عضوی از یک یا چند گروه اجتماعی شوند. جامعه‌پذیری دارای نتایج مختلفی است، که شامل فراگیری قوانین، نقش‌ها، استانداردها و ارزش‌های اجتماعی، عاطفی، شناختی و فردی مسلط می‌شود (Grusec, J.E, Hastings, P.D, 2007:1).

اتزیونی نقش اجتماعی را برای شکل‌گیری نظم اجتماعی لازم می‌داند و آن را با دو خصیصه تعریف می‌کند: (۱) یک اجتماع شامل شبکه‌ای از روابط مملو از عاطفه میان گروهی از افراد است، روابطی که اغلب متقاطع اند یکدیگر را تقویت می‌کنند؛ و (۲) اجتماع نیازمند تعهد به مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، معانی مشترک و تاریخ و هویت مشترک (به طور خلاصه یک فرهنگ مشترک) است که تعریف دوم مربوط به نقش اجتماعی کننده جامعه است (Etzioni. Amitai, 1996:1)

جوئل شارون اجتماعی کردن از طریق الگوسازی نقش و از طریق پاداش و کیفر را هدف‌های مهم جامعه‌پذیری می‌داند (ذوالفقاری زعفرانی، ۱۳۸۹: ۱۵۲). عمده‌ترین موسسات اجتماعی کننده خانواده، همسالان، مدرسه، دانشگاه و رسانه‌های جمعی‌اند. عوامل اجتماعی شدن در جوامع باتوجه به میزان پیچیدگی آنها متفاوت است. خانواده اولین عامل اجتماعی شدن در تمامی جوامع می‌باشد. در جوامع ساده، قبیله و دودمان و در جوامع مدرن، موسسات آموزشی و رسانه‌ها نقش مهمتری در اجتماعی کردن اعضای جامعه دارند.

اجتماعی شدن عمدتاً یک فرایند ناخودآگاهانه است که در آن یک فرد اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، قوانین و مقررات جامعه را آموخته و درونی می‌کند و قابلیت ایفای نقش در جامعه خود را می‌یابد. اجتماعی شدن شناخت عوامل ایجاد و تثبیت پیوندهای عاطفی با اعضای جامعه است. اجتماعی شدن سه مرحله مهم شناختی، عاطفی و ارزیابی دارد. با وجودی که برخی از جامعه‌شناسان برای اجتماعی شدن مراحل تعیین کرده‌اند، اجتماعی شدن یک فرایند بطئی، طولانی و مداوم است و هیچ زمان ثابت، آغاز و پایان برای آن وجود ندارد. با توجه به تعریف و ماهیت اجتماعی شدن بدیهی است



دانشگاه یکی از مهمترین موسسات اجتماعی است که در اجتماعی کردن افراد سهیم است و چگونگی عملکرد آن در این زمینه تاثیر بسزایی در ایجاد نظم و پیشرفت افراد و جامعه دارد. از این رو در این تحقیق تلاش شده چگونگی عملکرد دانشگاه در ارتقاء توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی دانشجویان، با تاکید بر نقش شغلی آنها را بررسی نماید. جامعه پذیری فرآیند کنش متقابل دوران زندگی است که افراد هویت خود را بدست می آورند و مهارت‌های فیزیکی، ذهنی و اجتماعی که برای بقای خود و جامعه نیاز دارند را می‌آموزند. باز اجتماعی شدن فرایندهای یادگیری جدید و متفاوت از مجموعه گرایش‌ها، ارزش‌ها، رفتارها و تجربیات و زمینه‌های قبلی است (Kendall, 2010: 99).

شخصیت انسانی، از طریق تعامل با دیگران ساخته می‌شود. اینگونه ما انسان می‌شویم و ظرفیت‌های انسانی ما که تا حد زیادی اکتسابی‌اند افزایش می‌یابند. کنش‌های متقابل مؤثر بر رشد این توانایی‌ها، که به ما امکان مشارکت در جامعه را می‌دهد، «اجتماعی شدن» نامیده می‌شود. ما در فرایند اجتماعی شدن می‌آموزیم چگونه فکر کنیم، چگونه سخن بگوییم، در شرایط و موقعیت‌های گوناگون چگونه رفتار کنیم. این توانایی‌ها متنوع و گوناگون‌اند: یکی از توانایی‌ها، کسب انگیزه‌هایی است که ما را به اشغال موقعیت‌ها و بازی نقش‌های اساسی هدایت می‌کند. توانایی دیگر، از مقوله فرهنگی است. زیرا، همه ما باید تا حدودی در تعهد به ارزش‌های مشترک، باورها و هنجارهای نهادین شریک بوده و تا اندازه‌ای از درون بوسیله نمادهای فرهنگی مشترک هدایت شویم. توانایی دیگر، در نظر گرفتن خود به عنوان یک عین خارجی است. اگر ما فاقد خود ادراکی باشیم، رفتارهای ما ثابت نخواهند داشت. توانایی دیگر، مجموعه مهارت‌های بازیگری نقش است که با بکارگیری آن، فرد حرکات و سکنات خود را تثبیت می‌کند. احساسات نیز، از دیگر توانایی‌های مهم در این زمینه است (ترنر، ۱۳۷۸: ۱۰۳).

مهمترین مقاصد و اهداف مشترک اجتماعی شدن در تمامی جوامع را می‌توان به طور خلاصه بدین شرح بیان کرد

- ۱- آموزش قواعد، آداب و عادات رفتاری روزمره با روش‌های علمی به افراد.
 - ۲- ایجاد هویت فردی از طریق برآوردن خواست‌ها و آرزوها یا ممانعت از دست یابی به آن‌ها.
 - ۳- آموزش نقش‌های اجتماعی و نگرش‌ها، انتظارات و گرایش‌های مربوط به آن‌ها.
 - ۴- توانایی برقراری ارتباط مؤثر با دیگران (علاقه بند، ۱۳۷۸: ۷۳)
- به نظر می‌آید نقش‌پذیری و اجتماعی شدن باعث می‌شود که ذهن مشترکی بین کنشگران به وجود بیاید و در نهایت این فرایند موجب به وجود آمدن نظم اجتماعی می‌شود (ریترز، ۱۳۷۹: ۲۸۰). برای این که هر نهاد کارکرد خود را به درستی ایفا کند نیاز است که فرآیند ایجاد ذهنیت مشترک به گونه‌ای طی شود تا نظم اجتماعی به وجود آید.
- ایجاد و ارتقاء توانایی برای پذیرش و ایفای نقش‌های اجتماعی مورد تاکید تمامی نظریه پردازان است. توفیق (نهادهای جامعه پذیر کننده از جمله) نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها در آماده سازی دانشجویان برای ایفای نقش‌های اجتماعی که در حال حاضر به عهده دارند و یا در آینده به عهده خواند گرفت یکی از مصادیق توسعه و کارآمدی آن تلقی می‌گردد. لائسون و اسپورز معتقدند در جامعه مطلوب (Good Society)، آموزش هم ابزار است و هم وسیله. در چنین جامعه ای تحصیل کرده بودن به معنای برخورداری از آگاهی توسعه یافته، دانش و مهارت بالا، و توانایی درباره چگونه با هم زندگی کردن است (Lawson and Spours, 2011: 11). در جامعه مطلوب افراد باید در سه زمینه آموزش ببینند: ۱- برای زندگی شغلی، ۲- برای زندگی درونی و ۳- برای یک زندگی عمومی و جمعی به عنوان شهروند (همان: ۱۶). در جهان مدرن توانایی تصمیم گیری مناسب متأثر از دسترسی به تحصیلات است. تحصیلات افراد را در جهت تبادل اطلاعات توانمند می‌کند. در واقع افراد بی سواد همانند افراد نابینا هستند که از بسیاری فرصت‌های شغلی محرومند. آنها اطلاعات محدودی درباره چگونگی بهبود بخشیدن به زندگی خود دارند و در برابر کسانی که از این اطلاعاتی برخوردارند، ضعیف و



شکونده هستند (Drapper and Ramsay:2008: 6-9). از مسئولیت‌های مهم هر نظام آموزشی، ایجاد ارتباط بین اهداف، محتوا و روش‌های آموزشی با شرایط هر جامعه است. آماده سازی و تربیت دانشجویان با گرایش‌ها، باورها، ارزش‌ها و مهارت‌های لازم برای نقش آفرینی در جامعه، بویژه در نقش‌های شغلی، از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر برای هر نظام آموزشی بخصوص نظام آموزش عالی هر کشور است. تحصیلاتی که به افراد اجازه می‌دهد که به صورتی کارآمد در جامعه حضور داشته باشند (Jordan,2010: 1).

دانشگاه باید به عنوان سازمان نهاد علم در انتقال دانش، آموزش‌هایی را به دانشجویان ارائه دهد که بتوانند به خود شکوفایی و موفقیت در نقش‌های شغلی برسند و همچنین توانایی لازم برای ایفای نقش‌های دیگر اجتماعی‌شان را پیدا کنند. ما در بخش روش تحقیق این مقاله چگونگی بهره‌گیری از این نظریه‌ها و عملیاتی نمودن آنها را توضیح خواهیم داد.

۳.۲. نظم در جامعه و نقش اجتماعی:

نهادهای اجتماعی مجموعه‌ای از نقش‌های اجتماعی مکمل جهت‌دارند (توسلی، ۱۳۶۹: ۱۹۲) و نقش‌های اجتماعی مجموعه‌ای از انتظارات رفتاری مبتنی بر هنجار می‌باشند که توسط محیط اجتماعی به فردی که دارای یک موقعیت معین اجتماعی است القا می‌شود (روزن باوم، ۱۳۶۷: ۸۳) و نظم اجتماعی انتظارات آگاهانه نهادینه شده از نقش‌هاست (Giddens,1989:731). بنابراین تعادل در نظام هنگامی حاصل می‌شود که ایفای نقش‌های اجتماعی مختلف افراد در نهادهای گوناگون با هم مغایر و معارض نبوده بلکه مؤید یکدیگر باشند.

می‌توان نتیجه گرفت نظم اجتماعی هنگامی حاصل می‌شود که اولاً عناصر درون یک نهاد انتظارات متناسب با موقعیت‌هایشان، که همان ایفای نقش است را برآورده نمایند، ثانیاً نقش‌های افراد در درون نهادهای مختلف با هم هماهنگ باشند، تا نهایتاً نظام اجتماعی که خود متشکل از نهادهای اجتماعی است و تحت این شرایط به وظایفشان به طور کامل عمل می‌نمایند، به تعادل دست یابد. به عبارت دیگر هر دو بعد مورد تاکید نظریه پردازان، وجوه متفاوت یک پدیده هستند. ترتیبات نهادی گوناگون، شیوه‌های سازماندهی مختلفی را برای زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ارائه می‌کنند و هر یک نتایج متفاوتی نیز خواهند داشت. نهادهای رسمی یا غیررسمی بوسیله قواعد رسمی یا غیر رسمی خود روابط بین افراد را شکل داده و رفتار افراد را تا حدودی پیش بینی پذیر می‌نمایند. بدون آنها ما دچار سردرگمی می‌شویم. نهادها زندگی در کنار یکدیگر را ممکن می‌کنند (Drapper and Ramsay:2008: 16).

از آنچه پارسنز درباره‌ی خرده نظام‌ها، شرایط کارکردی آنها و تعادل در نظام اجتماعی بیان کرده است می‌توان برداشت کرد که او نظم اجتماعی را ارتباط، هماهنگی و کارکردی بودن اجزای نظام اجتماعی جهت‌دستی نظام به تعادل و تداوم و بقاء حیات آن می‌داند. اگر این تعریف تجزیه شود می‌توان نظم اجتماعی مورد نظر پارسنز را هماهنگی و هم‌سویی و کارکردی بودن هنجارهای اجتماعی تلقی نمود. پارسنز نظم اجتماعی را ارتباط و هماهنگی و هم‌سویی نهادهای اجتماعی و نهادهای اجتماعی را مجموعه‌ای از نقش‌های مکمل جهت‌دار (توسلی، ۱۳۶۹: ۱۹۲) و نقش‌ها را مجموعه‌ای از انتظارات رفتاری مبتنی بر هنجار که توسط محیط اجتماعی به فردی که دارای یک موقعیت معینی است القا می‌شود (روزن باوم، ۱۳۶۷: ۸۳) می‌داند. به عبارت دیگر هنجارها که همان قواعد رفتار اجتماعی هستند دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای برای نقش‌ها می‌باشند و نقش‌ها نیز در شکل‌گیری نهادها بسیار ضروری و اساسی هستند و هماهنگی، هم‌سویی، ارتباط و کارکردی بودن نهادها برای نظم اجتماعی ضروری می‌باشد.

بدین اعتبار با نگاهی تقلیل‌گرایانه هنجارها عناصر مرکزی تشکیل‌دهنده‌ی نقش‌ها و نهادها (همان: ۴) و در نتیجه نظم اجتماعی محسوب می‌شوند و می‌توان گفت هنجارها اساسی‌ترین رکن ساخت کلی نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهند. بنابراین می‌توان گفت هماهنگی و هم‌سویی هنجارهای اجتماعی همان نظم اجتماعی مورد نظر پارسنز می‌باشد و این با



تعاریف دیگری که از نظم اجتماعی به عنوان الگوهای رفتاری پیش‌بینی‌پذیر و یا هماهنگی و هم‌سویی نهادهای اجتماعی از دیگر صاحب‌نظران ارائه شده هم‌خوانی دارد.

۴.۲. نظم کامل (Ideal order) و نقش‌های اجتماعی:

نظم در جامعه و پیشرفت علمی با یکدیگر رابطه متقابل دارند. پیشرفت علمی شامل توانایی ایفای نقش‌های تخصصی یا شغلی می‌شود و ایفای سایر نقش‌های اجتماعی را بطور ضمنی دربر می‌گیرد، زیرا پیشرفت علمی، شامل ارتقاء توان بکارگیری تولیدات علمی در ایفای نقش افراد نیز می‌گردد. علاوه بر این نهاد اجتماعی علم با انتقال فرهنگ، در درونی کردن هنجارها و ارزشها و انتظارات مربوط به سایر نقش‌های اجتماعی تاثیر گذار است. همچنین تعادل پویا در سیستم از مهم‌ترین ویژگی‌های حالت نظم است و زمانی محقق می‌گردد که حداقل هماهنگی لازم از جمله رشد متوازن و متعادل، بین اجزاء نظام وجود داشته باشد و در صورت وجود حالت نظم، هر یک از اجزاء نظام نقش کارکردی خود را به گونه‌ای ایفا نموده‌اند که کلیت نظام بتواند به بهترین شکل ممکن به اهداف خود دست یابد. هماهنگی بین اجزای نظام و رشد متوازن و متعادل آن متأثر از هنجارها و ارزشها و قواعد شکل گرفته پیرامون نقش‌های اجتماعی و میزان رعایت آنهاست که در فرآیند جامعه‌پذیری اعضای جامعه بوسیله نهادهای اجتماعی کننده در مراحل گوناگون حیات اجتماعی افراد درونی می‌شوند.

از سویی دیگر وجود تعادل به معنی پیشرفت نیست، زیرا هر نوع نظم و تعادلی نمی‌تواند برخوردار از پیشرفت باشد و یا موجب پیشرفت گردد. بنابراین برای تحقق پیشرفت، علاوه بر وجود نظم و تعادل اجزاء، رشد آنها نیز در حداکثر ممکن لازم است تا علاوه بر تعادل، پیشرفت را نیز محقق سازد. به عبارتی دیگر با مفهوم نظم کامل یا نظم اجتماعی کارآمد که دارای ویژگی هماهنگی و رشد حداکثری است مواجه هستیم. نظم کامل وضعیتی است که در آن تمامی شاخص‌های توسعه در حداکثر رشد و هماهنگی با هم باشند (پرچمی، ۱۳۹۰: ۷۹). ویژگی دیگری که در دستیابی نظام به اهداف و پیشرفت آن مستتر ولی لازم است مورد تاکید قرار گیرد جهت گیری نظم در نظام اجتماعی است. در نظم کامل جهت گیری نظم در نظام اجتماعی بگونه‌ای که است انسان‌ها بتوانند مسیر تکامل خود بسوی هدف غایی خلقت (یا پیدایش) خود را طی نمایند. براین اساس نظم کامل وضعیتی است که در آن وضعیت اجزای نظام اجتماعی حداکثر رشد و تعادل را برای رسانیدن انسان به هدف غایی خلقت خود، که در جهان بینی اسلامی تحقق اسماء و صفات الهی در خود و یا مقام قرب الهی است دارا می‌باشند. بدیهی است رشد، هماهنگی و جهت گیری حداکثری مورد نظر در نظم کامل تابع چگونگی ایفای نقش افراد و اجزای نظام اجتماعی است و این خود تابع چگونگی اجتماعی نمودن افراد توسط نهادهای اجتماعی کننده در هر جامعه خواهد بود. نظم کامل یک نوع آرمانی (Ideal Type) و بری است که می‌تواند برای تشخیص میزان پیشرفت یا توسعه و هماهنگی بین اجزاء (بین نهادی) و میزان تعادل در نظام اجتماعی برای تحقق اهداف آن بکار گرفته شود و در سطوح مختلف قابلیت تحقق و بررسی دارد.^۱ قابل ذکر است با پذیرش مفهوم نظم کامل تعریف و تعیین و قبول شاخص‌های توسعه نیاز به تجدید نظر بر مبنای مبانی اعتقادی و فلسفی و کلامی دارد.

دست‌یابی به نظم کامل مرهون ایفای کامل نقش‌های اجتماعی است و ایفای کامل نقش‌های اجتماعی متأثر از چگونگی جامعه‌پذیری اعضا توسط نهادهای اجتماعی کننده می‌باشد. در صورتی که دانشگاه‌ها به عنوان یکی از موسسات اجتماعی کننده علاوه بر ارائه آموزش‌های لازم برای ایفای نقش شغلی که خود شامل مهارت‌های تخصصی و فنی و مهارت‌های رفتاری شغلی است، به ارائه آموزش‌های لازم برای ایفای سایر نقش‌های اجتماعی که افراد بطور معمول با آن مواجه خواهند شد بپردازند، می‌توانند در دستیابی جامعه به نظم کامل موثر باشند. افزایش توانایی و آمادگی ایفای نقش‌های اجتماعی برای تحقق نظم کامل در جامعه به معنی آن است که اعضای جامعه در فرآیند جامعه‌پذیری خود علاوه بر مهارت‌های فنی و تخصصی، عقاید و باورها، ارزشها و هنجارهای جامعه را در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و

^۱ برای مطالعه بیشتر درباره نظم کامل به مقاله "مطالعه تطبیقی رابطه ی نظم در جامعه و پیشرفت علمی" مراجعه کنید.



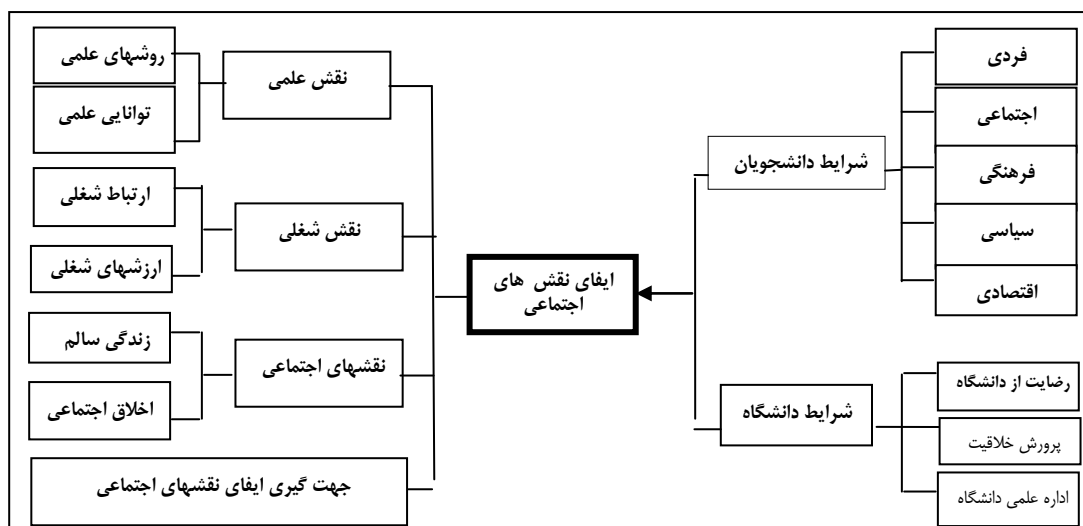
فرهنگی درونی نموده و رعایت می‌نمایند. تحقق این امر متأثر از چگونگی عملکرد نهادهای اجتماعی کننده از جمله دانشگاه‌ها می‌باشد.

۵.۲. پیشرفت علمی و نقش اجتماعی:

اگر پیشرفت علمی را فرآیند مستمر رشد تولیدات علمی و ارتقاء توان بکارگیری آنها در سطوح خرد، میانه و کلان بدانیم و کارآمدی دانشگاه‌ها را در رشد مستمر تولیدات علمی و ارتقاء توان بکارگیری آن به منظور پیشرفت فرد و جامعه بر مبنای یافته‌های علمی و فرهنگ جامعه تعریف کنیم، اهمیت توجه به نقش‌های اجتماعی بیشتر خود را نشان می‌دهد. در پیشرفت علمی و کارآمدی دانشگاه ارتقاء توان بکارگیری تولیدات علمی به معنی افزایش توان ایفای نقش‌های اجتماعی اعم از نقش‌های تخصصی و شغلی و دیگر نقش‌های عمومی با استفاده از یافته‌های علمی و پذیرش و درونی کردن فرهنگ جامعه است. از نظر چلبی توسعه علمی محصول کارکرد بهینه نظام اجتماعی و خرده نظام‌های آن است. نظام اجتماعی در ابعاد گوناگون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در یک نظم پویا امکان رشد و شکوفایی نهاد علم را میسر می‌کند؛ به عبارت دیگر اگر در شرایط متعادل هریک از اجزای نظام اجتماعی نقش خود را بدرستی ایفا کنند، در سطح خرد رشد اندیشه خلاق در میان آحاد جامعه و توسعه علمی را در سطح کلان میسر می‌سازند (چلبی، ۱۳۸۴: ۱۹). باید توجه داشت در صورتی که در فرایند پیشرفت جامعه به نظم اجتماعی و تعادل در رشد تمامی اجزای نظام اجتماعی در برنامه ریزی‌ها توجه شود، پیشرفت علمی نیز سریعتر خواهد شد. همچنین با توجه به کارکرد تغییرآوری و نظم آفرینی نهاد علم، در صورتی که پیشرفت علمی نظم در جامعه را تقویت نماید علاوه بر رشد مضاعف خود، موجب پیشرفت جامعه نیز خواهد شد. برای تقویت نظم در جامعه لازم است در فرآیند پیشرفت علمی رویکرد نهاد گرایی در دو سطح خرد و کلان مورد توجه باشد (پرچمی، ۱۳۹۰: ۹۳).

به بیانی دیگر مهمترین کارکرد خرده نظام فرهنگی (که نهاد علم و دانشگاه بخشی از سازمان اجتماعی آن می‌باشد) تولید سرمایه فرهنگی یا معرفت است و معرفت آگاهی و شناختی است که نوعی خاص از تمایلات و رفتار را در پی داشته باشد. نظم فرهنگی وضعیتی است که در آن سرمایه فرهنگی در سه سطح خرد، میانه و کلان بگونه‌ای تولید می‌گردد که ایفای نقش‌های اجتماعی موجب تسهیل کارکردی سایر اجزای نظام اجتماعی گشته و از بروز اختلال کارکردی در آنها پیشگیری کند. بر این اساس میزان توانایی و چگونگی ایفای نقش اعضای جامعه عامل مهم ممانعت از بی نظمی در جامعه خواهد بود. (پرچمی، ۱۳۹۰: ۷۳) از این رو در این مقاله میزان توانایی و آمادگی ایفای نقش‌های علمی، شغلی و سایر نقش‌های اجتماعی و رابطه آنها با شرایط اجتماعی و دانشگاهی دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته است.

مدل متغیرها و عوامل مؤثر مورد بررسی در این تحقیق





۳. روش تحقیق:

در این پژوهش از روش پیمایش (survey) استفاده شده تا ابعاد مختلف موضوع مورد بررسی قرار گیرد. برای جمع آوری اطلاعات شیوه‌ی مصاحبه کتبی با پرسشنامه مدون استفاده شده است.
۱.۳. ابزار سنجش:

در طراحی پرسشنامه متناسب با نظریه‌ها، متغیرها و معرف‌های آنها که از نظریه‌ها و دیدگاه‌های مطرح درباره ایفای نقش اجتماعی گرفته شده بودند و با در نظر گرفتن شرایط خاص اجتماعی دانشگاه‌های ما، پرسشنامه‌ای متشکل از تعدادی سؤال و گویه برای جمع آوری داده‌های این تحقیق در نظر گرفته شد. در پردازش آماری داده‌های مقدماتی برای حصول اطمینان از دقت سنجش و قابلیت اعتبار (Reliability) و اعتبار (Validation) مقیاس‌های سنجش، تجزیه و تحلیل‌های آماری لازم انجام شد. در این پرسشنامه متغیرهای متعددی متناسب با موضوع مورد بررسی قرار گرفته است.

۲.۳. جمعیت تحقیق، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری:

جمعیتی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت کلیه دانشجویان ۵ دانشگاه تهران، شهید بهشتی، شریف، علوم پزشکی شهید بهشتی و هنر است و جمعیت نمونه آن نیز به ازای هر دانشکده‌ی این دانشگاه‌ها ۳۰ تا ۶۰ نفر دانشجویی که با روش نمونه‌گیری اتفاقی انتخاب می‌شدند می‌باشد. در دانشکده‌هایی که فقط در یک دانشگاه وجود داشتند حداقل ۶۰ (مانند کشاورزی که فقط در دانشگاه تهران وجود داشت) و برای دانشکده‌هایی که در بیش از یک دانشگاه وجود داشت حداقل ۳۰ نفر در نظر گرفته شده بود. به پرسشگران آموزش داده شده بود تا در انتخاب پاسخگویان بگونه‌ای عمل نمایند که دانشجویان رشته‌های مختلف در هر دانشکده و از مقاطع مختلف و با رعایت نسبت تقریباً برابر جنسیت دانشجویان، بصورت کاملاً تصادفی در نمونه تحقیق قرار گیرند. با رعایت این نکات از ۱۴۷۰ دانشجویی که در تحقیق مشارکت داشتند، تعداد ۷۶۰ نفر مرد و ۷۱۰ نفر زن بوده‌اند. پرسشگران برای انتخاب دانشجویان به آنها مراجعه نموده و پس از چند سؤال که برای رعایت شرایط نمونه‌گیری از آنها می‌شد، در صورتی که واجد شرایط بودند برای تکمیل پرسشنامه توجیه می‌شدند و با نظارت پرسشگران آن را تکمیل می‌کردند.

۳.۳. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

پس از گردآوری اطلاعات، تمام پرسشنامه‌ها جمع آوری شد و تک تک آنها مورد بررسی دقیق پرسشگران قرار گرفت. خطاهای احتمالی تصحیح و پرسشنامه‌های ناقص حذف گردید. پس از آن با کد گذاری سئوال‌ها باز و نیمه باز داده‌ها وارد رایانه شد و برای پردازش و تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها متناسب با سطوح سنجش متغیرها آماره‌های مناسب استفاده و تعمیم‌پذیری نتایج بدست آمده نیز مورد بررسی قرار گرفته است. نکته قابل توجه دیگر آن است که در تحلیل روابط بین متغیرها فقط به تحلیل همبستگی پرداخته می‌شود و مقاله مدعی وجود رابطه علی بین متغیرها نیست. همچنین اعتبار و روایی تمامی شاخص‌های مورد استفاده بدقت مورد توجه بوده و تماماً در حد قابل قبول آماری است.

چگونگی بررسی شاخص توانایی ایفای نقش: میزان توانایی ایفای نقش اجتماعی را با سه بعد توانایی ایفای نقش شغلی، توانایی ایفای نقش علمی (نقش دانشجویی) و توانایی ایفای سایر نقشها مورد بررسی قرار دادیم. هر یک از ابعاد دارای ابعاد جزئی تری بودند که از نظر مفهومی به هم نزدیک می‌باشند.

بررسی اعتبار و روایی شاخص توانایی ایفای نقش اجتماعی: آلفای کرونباخ یکی از متداول‌ترین روشهای اندازه‌گیری سنجش پایایی پرسشنامه‌ها است که براساس سازگاری درونی گویه‌های پرسشنامه شکل می‌گیرد و مقدار آلفای بالای ۷۰ بر پایایی بالا، مقدار ۴۵-۷۰ پایایی متوسط و پایین‌تر از ۴۵ بر پایایی کم دلالت دارد (منصور فر، ۱۳۷۶: ۱۵۲). برای بررسی اعتبار شاخص توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی، همبستگی درونی اجزای آن محاسبه شده است. تمامی



گویه‌ها، بدون این که در جمع شاخص وجود داشته باشند، با شاخص رابطه‌ی معنی‌دار داشتند. به علاوه ضریب آلفای کرونباخ اجزای شاخص ۰/۷۹ شده است که نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی قوی میان اجزا و تناسب آنها برای سنجش شاخص توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی می‌باشند. تحلیل عاملی نیز از جمله تکنیک‌هایی است که در تعیین ابعاد سنجشی و مفاهیم زیربنایی مقیاس‌های این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. اولین آزمون در بخش تحلیل عاملی با عنوان KMO آمده است که کفایت اندازه نمونه جهت انجام تحلیل عاملی را ارزیابی می‌نماید. در تحلیل عاملی عوامل شاخص-های مورد استفاده، هیچیک از عناصر خارج از عوامل قرار نگرفته و $KMO=0/86$ شده که در حد قابل قبول می‌باشند. (جدول ۱)

چگونگی بررسی و اعتبار و روایی شاخص توانایی ایفای نقش علمی: سنجش توانایی ایفای نقش علمی در دو بعد روشهای علمی و توانایی علمی دانشجویان انجام شده است. در بعد روشهای علمی مد نظر ما میزان پایبندی دانشجویان به روشهای علمی در کار دانشگاهی خود بوده که توسط ۸ گویه مورد سنجش قرار گرفت. بعد توانایی علمی نیز با ۳ گویه سنجیده شده است. میزان آلفای بدست آمده ۰/۷۵ بوده که نشان از رابطه‌ی قوی اجزا و تناسب آن می‌باشد. شاخص KMO تحلیل عاملی نیز ۰/۸۰ می‌باشد که در حد قابل قبول بوده است. (جدول ۱)

چگونگی بررسی و اعتبار و روایی شاخص توانایی ایفای نقش شغلی: توانایی ایفای نقش شغلی در دو بعد ارتباط شغلی و ارزش‌های شغلی مورد سنجش قرار گرفته است. بعد ارتباط شغلی توسط ۱۰ گویه مورد سنجش قرار گرفت. بعد ارزش‌های شغلی نیز با ۶ گویه سنجیده شده است. میزان آلفای بدست آمده ۰/۹۰ بوده که نشان از رابطه‌ی قوی اجزا و تناسب آن می‌باشد. شاخص KMO تحلیل عاملی نیز ۰/۹۰ می‌باشد که در حد قابل قبول بوده است.

چگونگی بررسی و اعتبار و روایی شاخص آمادگی ایفای نقش‌ها: توانایی ایفای سایر نقش‌ها در دو بعد زندگی سالم و اخلاق اجتماعی مد نظر بوده است. بعد زندگی سالم توسط ۹ گویه و بعد اخلاق اجتماعی نیز با ۸ گویه سنجیده شده است. یادآوری این نکته نیز لازم است که برای خنثی نمودن اثر تفاوت تعداد گویه هر در شاخص از داده‌های نسبی استفاده شده است. میزان آلفای بدست آمده ۰/۷۲ و شاخص KMO تحلیل عاملی نیز ۰/۸۰ می‌باشد که در حد قابل قبول می‌باشد. (جدول ۱)

جدول (۱): میانگین، انحراف معیار، همبستگی درونی و ضریب آلفای کرونباخ درجه عضویت (تعادل) و میانگین باضریب شاخص ایفای نقش اجتماعی و اجزای آن

شاخص	اجزا	آلفا	KMO	میانگین	انحراف معیار	درجه عضویت ساده	همبستگی درونی	میانگین باضریب	درجه عضویت اصلاح شده
ایفای نقش‌های علمی	روش‌های علمی	۰/۷۵	۰/۸۰	۵۵.۰۶	۰.۸۸	۰.۹۵۸	۰.۷۵	۴۱.۲۹	۰.۸۲۲
	توانایی علمی			۶۷.۵۰	۱.۰۱	۰.۸۲۶	۰.۲۷	۱۸.۲۲	۰.۸۶۰
ایفای نقش‌های شغلی	ارتباط شغلی	۰/۹۰	۰/۹۰	۵۱.۶۸	۱.۰۹	۰.۸۹۹	۰.۶۸	۳۵.۱۴	۰.۹۰۸
	ارزش‌های شغلی			۶۴.۳۳	۱.۱۷	۰.۸۸۲	۰.۵۷	۳۶.۶۷	۰.۸۸۷
ایفای سایر نقش‌ها	زندگی سالم	۰/۷۲	۰/۸۰	۴۷.۱۴	۱.۰۲	۰.۸۲۰	۰.۶۵	۳۰.۶۴	۰.۹۷۱
	اخلاق اجتماعی			۵۹.۳۲	۱.۱۲	۰.۹۶۹	۰.۱۴	۸.۳۰	۰.۷۲۱
ایفای نقش‌های اجتماعی (شاخص کل)		۰/۷۹	۰/۸۶	۵۷.۵	۷.۷۰	B=0.89		۲۸.۴	$B_{AJS} = 0.861$



چگونگی بررسی شرایط دانشجویان: برای بررسی شرایط دانشجویان، ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی در نظر گرفته شد که هر یک از ابعاد نیز دارای ابعاد جزئی‌تر می‌باشند که در (جدول ۲) مشاهده می‌کنید.

جدول(۲): همبستگی درونی و ضریب آلفای کرونباخ در اجزای شاخص‌های متغیر مستقل

شاخص	ابعاد	اجزا	آلفا	KMO
شرایط دانشجویان	فردی	جنسیت، محل تولد، نوع سهمیه، شاخه علمی، مقطع تحصیلی		
	اجتماعی	طبقه اجتماعی - تعهد اجتماعی - مشارکت اجتماعی - اعتماد اجتماعی	۰/۵۷	۰/۶۱
	فرهنگی	هویت ملی - پایبندی دینی - عدم باور به لیبرالیسم - امید به آینده	۰/۸۶	۰/۸۹
	سیاسی	مشروعیت نظام - احساس آزادی	۰/۹۰	۰/۹۱
	اقتصادی	درآمد	-	-
شرایط دانشگاهی	رضایت از دانشگاه	رضایت از اساتید - میزان برآوردن شدن انتظارات علمی - تناسب منابع با نیازهای روز - رضایت از دانشگاه در مقابل هزینه‌ها	۰/۷۳	۰/۷۵
	پرورش خلاقیت	استقلال و تردید در روشها - ترکیب راه‌ها و تولید راه جدید - ارائه راه حل جدید - انعطاف پذیری - نقد پذیری - کامل کردن روش‌ها	۰/۷۰	۰/۷۲
	چگونگی اداره علمی دانشگاه	تجربه عملی - برگزاری سخنرانی علمی - برگزاری همایش علمی - آموزش مهارت دانشجویی - نظارت بر دانشجویی - امکان مشارکت - امکان نقد - استفاده از اساتید مدعو - استفاده از اساتید خارجی	۰/۸۳	۰/۸۳

بررسی اعتبار و روایی شرایط دانشجویان: برای بررسی اعتبار ابعاد شرایط دانشجویان، همبستگی درونی اجزای

آن محاسبه شده است. تمامی گویه‌ها، بدون این که در جمع شاخص وجود داشته باشند، با شاخص رابطه‌ی معنی‌دار داشتند. به علاوه ضریب آلفای کرونباخ اجزا و KMO نیز محاسبه شده که در حد قابل قبول می‌باشند. نتایج در (جدول ۲) آمده است.

چگونگی بررسی شرایط دانشگاهی: برای بررسی شرایط دانشگاهی، سه بعد رضایت از دانشگاه، پرورش خلاقیت،

و چگونگی اداره علمی دانشگاه‌ها در نظر گرفته شد که در (جدول ۲) همراه با جزئیات مشاهده می‌کنید.

بررسی اعتبار و روایی شرایط دانشگاهی: ضریب آلفای کرونباخ اجزای شاخص‌ها و KMO محاسبه شده در

حد قابل قبول می‌باشند که در (جدول ۲) مشاهده می‌کنید.

چگونگی بررسی نظم کامل: پیشتر اشاره کردیم نظم کامل به معنی همسویی و هماهنگی اجزای نظام اجتماعی

یا اجزای هر یک از خرده نظام‌های آن با هم، در جهت ایجاد تعادل یا دستیابی به اهداف جامعه، و پاسخگویی به نیازها برای رسانیدن انسانها به هدف غایی خلقت خود(جهت‌گیری) می‌باشد، بنابراین نظم کامل وضعیتی است که در آن تمامی شاخص‌های توسعه در حداکثر رشد، تعادل و جهت‌گیری با هم باشند.

با پذیرش این تعریف برای سنجش نظم کامل نیازمند اندازه‌گیری سه عامل رشد (Growth)، تعادل (Balance) و

جهت‌گیری (Orientation) در رشد هستیم. رشد، توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی است که بوسیله ۴۴ سؤال و گویه در

قالب ۶ عامل مندرج در جدول (۱) سنجیده شده و میانگین آن ۵۷/۵ می‌باشد. مقدار شاخص جهت‌گیری (O=

orientation) نیز که با ۶ سؤال و گویه سنجیده شده ۵۵.۹۲ (از ۱۰۰) است، بر اساس شاخص جهت‌گیری و "ضرایب"

رشد و تعادل به محاسبات نظم کامل می‌پردازیم. ابتدا مقادیر را روی یک نمودار رادار سه محوری نمایش می‌دهیم.

محاسبه نظم کامل به دو روش قابل انجام است. ۱- روش ساده که در آن وزن متغیرها یا ابعاد یکسان تلقی می‌گردد و به

همین منظور از دقت کمتر برخوردار است. ۲- روش اصلاح شده که در آن وزن متغیرها و یا ابعاد آن متناسب با اندازه

همبستگی درونی آنها در نظر گرفته می‌شود. برای محاسبه نظم کامل(به روش ساده) به شرح ذیل عمل می‌نمائیم:

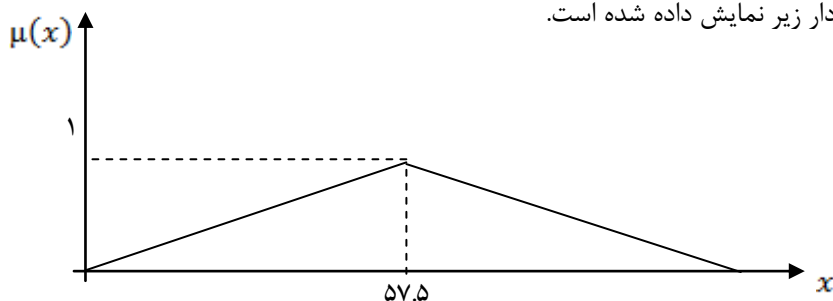


برای ساختن ضریب تعادل میانگین میانگین‌ها (۵۷/۵) را به صورت یک عدد فازی تعریف و تابع عضویت آن را یک تابع مثلثی در نظر گرفته که در میانگین میانگین‌ها عدد یک و در دورترین نقطه، عدد صفر را اختیار می‌کند (شکل ذیل). میانگین درجه عضویت میانگین‌های شش بعد توانایی ایفای نقش دانشجویان ضریب تعادل آنهاست. این ضریب بیانگر آن است که مقادیر هر یک از محورهای شش گانه به طور تقریبی تا چه اندازه به میانگین میانگین‌ها نزدیک می‌باشند. بدیهی است هر گاه اعداد همه محورها با هم مساوی باشند، تعادل برابر یک خواهد بود. اگر مراحل فوق را روی داده‌های این تحقیق اجرا کنیم، نتایج ذیل بدست خواهد آمد:

برای دو ضلع تابع مثلثی، دو معادله خط مجزا به دست می‌آید که در کنار هم تابع عضویت را می‌سازند.

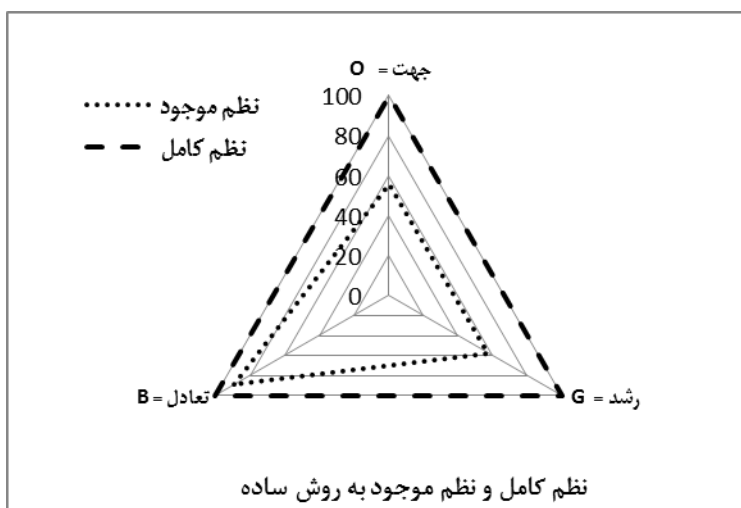
$$\mu(x) = \begin{cases} 0.0174x & x < 57.5 \\ -0.0174x + 2.001 & x \geq 57.5 \end{cases}$$

تابع عضویت در نمودار زیر نمایش داده شده است.



مقدار درجه عضویت هر یک از ابعاد توانایی ایفای نقش در ستون هفتم جدول (۱) درج شده و میانگین آنها که همان ضریب تعادل است $B = \mu \square = 0.892$ می‌باشد.

حال با استفاده از مقادیر جهت گیری (O = 55.9)، رشد (G = 57.5) و تعادل (B = 0.89) محاسبات مربوط به نظم کامل را انجام می‌دهیم.



مساحت نظم کامل موجود را با O_1 و نظم کامل مطلوب را با O_2 نشان می‌دهیم.



$$O_2 = 2 \times \left(\frac{1}{2} \sin 120^\circ\right) \times 100 \times 100 = 12990$$

$$O_1 = \left(\frac{1}{2} \sin 120^\circ\right) [55.9 \times 89.2 + 89.2 \times 57.5 + 57.5 \times 55.9] = 5771.686$$

برای ضریب نظم کامل (IO=Ideal Order) داریم:

$$IO = \frac{O_1}{O_2} = \frac{5771.686}{12990} = 0.44$$

ضریب نظم کامل از گستره حداقل صفر و حداکثر یک ($0 \leq IO \leq 1$) برخوردار است که اگر آنرا به ۵ قسمت مساوی تقسیم کنیم خواهیم داشت ۰.۲-۰.۴ خیلی ضعیف، ۰.۴-۰.۶ ضعیف، ۰.۶-۰.۸ متوسط، ۰.۸-۰.۹ قوی و ۰.۹-۱.۰ خیلی قوی. در اینجا ضریب نظم کامل (به روش ساده) تقریباً ۰.۴۴ است و معنی وجود نظم کامل (تقریباً) متوسط می‌باشد.

در اینجا شاهد تعادل بسیار بالا هستیم در حالی که مشاهدات واقعی ما آن را تایید نمی‌کند. برای مثال ما می‌دانیم دانشگاه‌ها به جامعه‌پذیری افراد برای ایفای سایر نقش‌های اجتماعی شان توجه زیادی ندارند. این امر ناشی از دو عامل است. ۱- در این تحقیق برای پرهیز از پیش داوری منفی درباره دانشگاه‌ها سنجش متغیرها با گویه‌هایی صورت گرفته که از حساسیت بالا برخوردار نبوده با این وصف میانگین توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی پاسخگویان ۵۷.۵ (از ۱۰۰) می‌باشد. ۲- در محاسبه نظم کامل به روش ساده به وزن اهمیت هر یک از ابعاد توجه نمی‌شود، اما در روش اصلاح شده آن که در ادامه توضیح داده خواهد شد به وزن هر یک ابعاد توجه گردیده است. نظم کامل اصلاح شده به روش ذیل محاسبه می‌شود:

برای وزن دادن به متغیرها از ضرایب همبستگی درونی استفاده می‌کنیم. از حاصل ضرب مقدار میانگین متغیرها در همبستگی‌های درونی، میانگین‌های با ضریب (دو ستون ماقبل آخر جدول ۱) به دست می‌آید که مدل سازی فازی بر اساس آن‌ها انجام می‌گیرد.

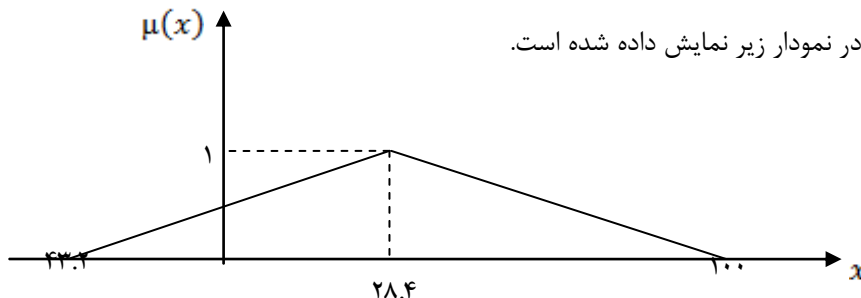
بعد از اعمال وزن، اگر از میانگین میانگین‌ها به عنوان ضریب رشد استفاده کنیم، عدد ۲۸.۴ حاصل می‌شود که کمتر از میانگین ساده (۵۷/۵) است.

برای ساختن ضریب تعادل اصلاح شده، میانگین میانگین‌های اصلاح شده (۲۸/۴) را به صورت یک عدد فازی تعریف و تابع عضویت آن را یک تابع مثلثی در نظر گرفته که در میانگین میانگین‌ها عدد یک و در دورترین نقطه، عدد صفر را اختیار می‌کند (شکل ذیل). میانگین درجه عضویت میانگین‌های اصلاح شده شش بعد توانایی ایفای نقش دانشجویان ضریب تعادل اصلاح شده آنهاست. اگر مراحل فوق را روی داده‌ها اجرا کنیم، به نتایج زیر می‌رسیم:

با داشتن دو نقطه از یک خط می‌توان معادله آن را نوشت. برای دو ضلع تابع مثلثی، دو معادله خط مجزا به دست می‌آید که در کنار هم تابع عضویت را می‌سازند.

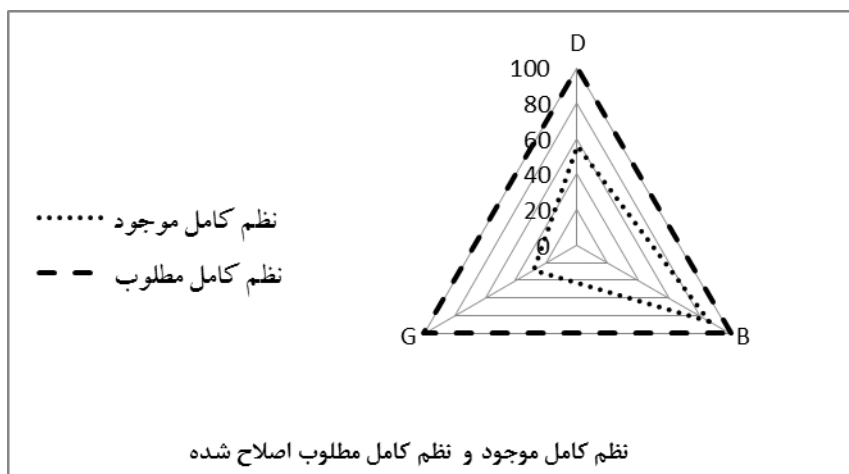
$$\mu(x) = \begin{cases} 0.014 \cdot x + 0.6048 & x < 28.4 \\ -0.014 \cdot x + 1.4 & x \geq 28.4 \end{cases}$$

تابع عضویت در نمودار زیر نمایش داده شده است.





اکنون برای هر یک از شش داده، مقدار درجه عضویت اصلاح شده را بدست می آوریم که در ستون آخر جدول (۱) درج گردیده و براین اساس ضریب تعادل اصلاح شده آنها $B_{AJS} = \bar{\mu} = 0.861$ می شود. حال با استفاده از مقادیر جهت گیری ($O = 55.9$)، رشد ($G = 28.4$) و تعادل اصلاح شده محاسبات مربوط به نظم کامل اصلاح شده را انجام می دهیم.



مساحت نظم کامل موجود را با O_1 و نظم کامل مطلوب را با O_2 نشان می دهیم.

$$O_2 = 2 \times \left(\frac{1}{4} \sin 120^\circ\right) \times 100 \times 100 = 12990$$

$$O_1 = \left(\frac{1}{4} \sin 120^\circ\right) [55.9 \times 86.1 + 86.1 \times 28.4 + 28.4 \times 55.9] = 3830.227$$

برای ضریب نظم کامل (Ideal Order) داریم:

$$IO = \frac{O_1}{O_2} = \frac{3830.227}{12990} = 0.295$$

در نتیجه ضریب نظم کامل اصلاح شده تقریباً ۰.۲۹۵ است. که بیانگر ضعیف بودن آن است.

۴. نتایج یافته‌های تحقیق:

توانایی ایفای نقش اجتماعی دانشجویان: همانطور که قبلاً گفتیم توانایی ایفای نقش اجتماعی دانشجویان را در سه بعد، مورد سنجش قرار دادیم که عبارتند از ایفای نقش علمی، ایفای نقش شغلی، ایفای سایر نقشهای اجتماعی. (جدول ۳)

توانایی ایفای نقش علمی: از دانشجویان انتظار می‌رود در نقش دانشجویی در محیط علمی وظایف خود را به عنوان یک دانشجو به درستی ایفا کنند. توانایی دانشجویان برای ایفای نقش علمی ۱/۳ درصد خیلی خیلی خوب، ۸/۹ درصد خیلی خوب، ۴۰/۱ درصد خوب، ۴۰/۱ درصد ضعیف، ۸/۹ درصد خیلی ضعیف و ۰/۷ خیلی ضعیف بوده است. بطور متوسط میزان آمادگی ایفای نقش علمی در بین دانشجویان ۳/۵۱ از ۶ یعنی بین ضعیف تا خوب بوده است. انحراف معیار آن نیز ۰/۸۵ می باشد. (جدول ۳)

توانایی ایفای نقش شغلی: یکی از کارکردهای دانشگاه به عنوان سازمان اجتماعی نهاد علم، تربیت نیروی دارای مهارت و متخصص و آماده سازی دانشجویان برای ایفای نقش‌های شغلی در آینده می باشد. میزان توانایی ایفای نقش شغلی در بین دانشجویان ۲/۲ درصد خیلی خیلی زیاد، ۸/۳ درصد خیلی زیاد، ۳۰/۵ درصد زیاد، ۳۸/۹ درصد کم، ۱۶/۴



درصد خیلی کم و ۳/۷ خیلی خیلی کم بوده است. بطور متوسط میزان توانایی ایفای نقش شغلی در بین دانشجویان ۳/۲۹ از ۶ یعنی بین کم تا زیاد بوده است. انحراف معیار آن نیز ۱/۰۲ می باشد. (جدول ۳)

توانایی ایفای سایر نقش‌ها: علاوه بر آموزش و ارتقاء توانایی و آمادگی برای ایفای نقش شغلی که از کارکدهای اصلی نهاد علم است، دانشگاه از موسسات اجتماعی کننده نیز می باشد و با انتقال فرهنگ، دانشجویان را برای ایفای سایر نقش‌های اجتماعی شان نیز آماده می نماید. در مجموع میزان توانایی ایفای سایر نقش‌های اجتماعی دانشجویان ۰/۳ درصد خیلی زیاد، ۴/۲ درصد خیلی زیاد، ۲۶/۸ درصد زیاد، ۵۰/۶ درصد کم، ۱۶/۹ درصد خیلی کم و ۱/۲ خیلی خیلی کم بوده است. بطور متوسط میزان توانایی ایفای سایر نقش‌ها در بین دانشجویان ۳/۱۶ از ۶ یعنی بین کم تا زیاد بوده است. انحراف معیار آن نیز ۰/۸۰ می باشد. (جدول ۳)

توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی: میزان توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی که شاخص بدست آمده از سه بعد فوق می باشد در ۰/۲ درصد دانشجویان خیلی خیلی زیاد، ۶/۲ درصد خیلی زیاد، ۳۳/۲ درصد زیاد، ۴۶/۶ درصد کم، ۱۳/۴ درصد خیلی کم و ۰/۴ خیلی خیلی کم بوده است. بطور متوسط میزان توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی دانشجویان ۳/۳۲ از ۶ یعنی بین کم تا زیاد بوده است. انحراف معیار آن نیز ۰/۸۰ می باشد. (جدول ۳)

جهت‌گیری در ایفای نقش‌های اجتماعی: جهت‌گیری در ایفای نقش‌های اجتماعی توجه به هدف غایی خلقت در ایفای نقش‌ها و به معنی آن است که افراد در ایفای نقش‌های اجتماعی خود چقدر به هدف غایی خلقت خود که بندگی خداوند و رسیدن به مقام خلیفه الهی است توجه دارند. این شاخص با ۶ گویه و سؤال سنجیده و به اظهار خود پاسخگویان بسنده شده است. جهت‌گیری در ایفای نقش ۳/۳ درصد دانشجویان خیلی خیلی زیاد، ۱۳/۶ درصد خیلی زیاد، ۲۷/۴ درصد زیاد، ۳۵/۶ درصد کم، ۱۴/۵ درصد خیلی کم و ۵/۶ خیلی خیلی کم بوده است. بطور متوسط میزان جهت‌گیری در ایفای نقش‌های اجتماعی دانشجویان ۳/۳۸ از ۶ یعنی بین کم تا زیاد بوده است. انحراف معیار آن نیز ۱/۱ می باشد. (جدول ۳)

جدول (۳): توصیف شاخص آمادگی ایفای نقش و ابعاد آن

شاخص	خیلی زیاد	خیلی کم	کم	زیاد	خیلی زیاد	خیلی کم	میانگین	انحراف معیار
ایفای نقش علمی	۱/۳	۸/۹	۴۰/۱	۴۰/۱	۸/۹	۰/۷	۳/۵۱	۰/۸۵
ایفای نقش شغلی	۲/۲	۸/۳	۲۰/۵	۳۸/۹	۱۶/۴	۳/۷	۳/۲۹	۱/۰۲
ایفای سایر نقش‌ها	۰/۳	۴/۲	۲۶/۸	۵۰/۶	۱۶/۹	۱/۲	۳/۱۶	۰/۸۰
شاخص نقش‌های اجتماعی	۰/۲	۶/۲	۳۳/۲	۴۶/۶	۱۳/۴	۰/۴	۳/۳۲	۰/۸۰
جهت‌گیری در ایفای نقش	۶/۴	۱۱/۶	۱۸/۵	۲۴	۲۰/۸	۱۸/۷	۳	۱/۴۷

قابل ذکر است که سنجش توانایی سایر نقش‌های اجتماعی و جهت‌گیری در ایفای نقش‌ها با محدودیت‌هایی مواجه بوده که برای کاهش آنها گویه‌های سنجش آنها بسیار عام و حداقلی در نظر گرفته شده‌اند و این امر احتمالاً موجب بیش از واقع بیان شدن آنها گردیده است.

مقایسه نتایج جدول فوق بیانگر آن است:

۱- توانایی ایفای نقش دانشجویان در کل و در ابعاد آن در حد متوسط (بین کم تا زیاد) می باشد که با شرایط مطلوب فاصله زیادی دارد.



- ۲- توانایی ایفای سایر نقش‌های اجتماعی دانشجویان نسبت به ابعاد دیگر ضعیف‌تر است که بیانگر حداقل کم توجهی نظام آموزش عالی به این بعد مهم است. آموزش زمانی می‌تواند زمینه ساز توسعه گردد که انسان‌های توسعه یافته تربیت کند. قابلیت بکارگیری آموزش‌های دریافت شده و افزایش توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی بوسیله این آموزش‌ها شاخص مناسبی برای توسعه یافتگی افراد می‌باشد.
- ۳- میزان تفاوت شدت این شاخص و اجزای آن در طبقات مختلف پاسخ‌ها تفاوت معنی دار است.
- ۴- جهت گیری در ایفای نقش‌های اجتماعی در حد متوسط می‌باشد.

توانایی ایفای نقش اجتماعی به تفکیک ویژگی‌های فردی

همانطور که در جدول (۴) مشاهده می‌کنید توانایی ایفای نقش در مردان با میانگین (۱۵۱/۵۴۷۹) کمی بیشتر از خانمها با میانگین (۱۵۰/۵۲۹۲) می‌باشد که با توجه به نزدیک بودن آنها تفاوت میانگین‌ها معنادار نمی‌باشد. (جدول ۴)

بیشترین میزان شاخص توانایی ایفای نقش در دانشجویان شاخه‌ی پزشکی با میانگین (۱۵۵/۰۱۵۳)، پس از آن کشاورزی با میانگین (۱۵۳/۲۶۵۸)، هنر با میانگین (۱۵۱/۹۰۴۸)، علوم انسانی با مقدار (۱۵۱/۵۷۴۴)، علوم پایه با مقدار (۱۵۰/۷۳۹۵) و کمترین مقدار توانایی ایفای نقش در دانشجویان شاخه فنی و مهندسی (۱۴۶/۶۳۶۰) بوده است. همبستگی رابطه‌ی میان شاخه‌ی علمی با توانایی ایفای نقش (E=۰/۱۰۹) است. (جدول ۴)

دانشجویانی که با سهمیه منطقه ۳ وارد دانشگاه شده‌اند بیشترین توانایی ایفای نقش با میانگین (۱۵۹/۶۹۲۹) سپس سهمیه المپیاد با مقدار (۱۵۸)، ایثارگران (۱۵۷/۷۲۲۲)، منطقه ۲ (۱۵۳/۰۷۰۰) و کمترین مقدار (۱۴۵/۹۸۵۳) متعلق به دانشجویانی است که با سهمیه منطقه ۱ وارد دانشگاه شده‌اند. همبستگی رابطه‌ی میان سهمیه دانشگاهی با توانایی ایفای نقش (E=۰/۱۹۱) است. با توجه به ضریب تبیین (۰/۰۳) یعنی ۳ درصد از تغییرات در توانایی ایفای نقش به سهمیه دانشگاهی مربوط می‌شود. (جدول ۴)

بیشترین میانگین توانایی ایفای نقش (۱۶۴/۱۳۶۴) از آن دانشجویانی است که در روستا زندگی می‌کنند، پس از آن با میانگین (۱۵۵/۰۸۰۷) دانشجویانی قرار دارند که در شهرها زندگی می‌کرده‌اند و کمترین مقدار (۱۴۸/۱۸۸۶) متعلق به کسانی بوده که در مرکز استان زندگی می‌کنند. همبستگی رابطه‌ی میان محل زندگی دانشجویان با توانایی ایفای نقش (E=۰/۱۵۴) است. دانشجویان مقطع دکتری بیشترین میزان توانایی ایفای نقش با میانگین (۱۵۷/۲۱۰۵) را داشته‌اند و کمترین مقدار (۱۵۰/۱۳۲۴) را دانشجویان مقطع کارشناسی داشته‌اند. (جدول ۴)

جدول (۴): توانایی ایفای نقش اجتماعی به تفکیک ویژگی‌های فردی

متغیر	طبقات	تعداد	میانگین	انحراف معیار
جنسیت	زن	۴۹۷	۱۵۰/۵۲۹۲	۲۶/۹۶۹۲۹
	مرد	۵۱۱	۱۵۱/۵۴۷۹	۲۷/۶۴۴۱۹
شاخه علمی	علوم انسانی	۳۰۱	۱۵۱/۶۷۴۴	۲۶/۹۴۵۱
	علوم پایه	۱۱۹	۱۵۰/۷۳۹۵	۲۸/۷۳۴۱
	فنی و مهندسی	۲۷۲	۱۴۶/۶۳۶۰	۲۶/۵۶۸۹
	پزشکی	۱۹۶	۱۵۵/۰۱۵۳	۲۸/۳۹۳۶
	کشاورزی	۷۹	۱۵۳/۲۶۵۸	۲۵/۶۲۰۳
	هنر	۴۲	۱۵۱/۹۰۴۸	۲۷/۱۱۴۷
سهمیه دانشگاهی	منطقه ۱	۴۷۶	۱۴۵/۹۸۵۳	۲۷/۱۲۰۰
	المپیاد	۱۶	۱۵۸	۳۲/۰۱۴۵
	منطقه ۲	۳۰۰	۱۵۳/۰۷۰۰	۲۶/۹۴۷۲
	منطقه ۳	۱۴۰	۱۵۹/۶۹۲۹	۲۵/۱۵۷۸



	۲۴/۹۱۵۴	۱۵۷/۷۲۲۲	۳۶	ایثارگران	
F= ۱۲/۰۵۶	۲۷/۳۹۰۹	۱۴۸/۱۸۸۶	۶۶۸	مرکز استان	محل زندگی
Sig=۰/۰۰۰	۲۵/۳۶۴۷	۱۵۵/۰۸۰۷	۲۸۵	شهر	
Eta=۰/۱۵۴	۳۱/۴۰۲۵	۱۶۴/۱۳۶۴	۴۴	روستا	
Eta2=۰/۰۲۴					
F= ۲/۲۹۸	۲۷/۸۲۰۰	۱۵۰/۱۳۲۴	۶۵۷	کارشناسی	مقطع تحصیلی
Sig=۰/۱	۲۶/۱۷۸۵	۱۵۱/۱۰۵۸	۲۷۴	کارشناسی ارشد	
Eta=۰/۰۶۸	۲۶/۶۱۶۴	۱۵۷/۲۱۰۵	۷۶	دکتری	
Eta2=۰/۰۰۵					

نظم کامل در دانشگاه‌ها: همانطور که در بخش‌های قبلی بیان شد نظم بدون جهت گیری بسوی هدف خلقت انسان که بر مبنای جهان‌بینی اسلامی رسیدن به قرب الهی و کمال بندگی انسان است دارای نقصان می‌باشد و لازم است در بررسی نظری و تجربی آن به این بعد نیز توجه داشت. در انتهای بخش روش تحقیق این مقاله نظم کامل اصلاح شده ۰/۲۹۵ محاسبه شد که بیانگر فاصله زیاد نظم موجود با نظم کامل می‌باشد. این تفاوت زیاد بیشتر ناشی از عدم تعادل در رشد و عدم توجه به جهت گیری در فعالیت دانشگاه‌هاست. (جدول ۴)

عوامل مؤثر بر آمادگی ایفای نقش‌ها اجتماعی دانشجویان:

همان‌طور که در مدل تحقیق نشان داده شد، عوامل مؤثر بر توانایی ایفای نقش دانشجویان بررسی شده در این تحقیق به طور کلی شامل دو دسته عوامل شرایط دانشجویان و شرایط دانشگاه آنان می‌شود که هر یک دارای اجزایی هستند که در جدول (۵) درج شده است. اکنون به بررسی رابطه آنها با توانایی ایفای نقش دانشجویان می‌پردازیم، ابتدا رابطه با شرایط دانشجویان و سپس رابطه با شرایط دانشگاهی آنان بررسی خواهد شد.

شرایط اجتماعی دانشجویان: همانطور که قبلاً گفته شد شرایط اجتماعی دانشجویان یکی از عوامل مؤثر بر ایفای نقش اجتماعی می‌باشد هر چه قدر شرایط اجتماعی مهیا تر باشد افراد نقش‌های خود را بهتر ایفای می‌کنند. شرایط اجتماعی از ۴ عامل طبقه، تعهد، مشارکت و اعتماد تشکیل شده است. ۳/۲ درصد پاسخگویان شرایط اجتماعی خیلی خوب، ۳۷/۵ درصد خوب، ۴۹/۷ درصد ضعیف، ۹/۳ درصد خیلی ضعیف و ۰/۳ خیلی ضعیف داشته‌اند. میانگین چگونگی شرایط اجتماعی پاسخگویان ۳/۳۴ از ۶ می‌باشد که بین خوب تا ضعیف می‌باشد. (جدول ۵)

رابطه شرایط اجتماعی با توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی: شرایط اجتماعی مناسب می‌تواند شرایط ایفای نقش را برای افراد فراهم کند هنگامی که این شرایط مهیا باشد، افراد توانایی بیشتری برای ایفای نقش‌های اجتماعی خود دارند. همبستگی شرایط اجتماعی با توانایی ایفای نقش اجتماعی $(r = ۰/۴۱^{++})$ است که رابطه‌ای نسبتاً قوی بین آنهاست. (جدول ۵)

رابطه طبقه اجتماعی با توانایی ایفای نقش اجتماعی: طبقه‌ی اجتماعی با شاخص توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی رابطه معنادار داشته است. ضریب همبستگی آنها $(r = -۰/۱۸^{++})$ و نشان می‌دهد دانشجویان طبقه‌ی اجتماعی بالا توانایی کمتری برای ایفای نقش‌های اجتماعی خود داشته‌اند. (جدول ۵)

رابطه مشارکت اجتماعی با توانایی ایفای نقش اجتماعی: پاسخگویانی که مشارکت بیشتری در امور اجتماعی داشته‌اند توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی بیشتری نیز داشته‌اند، همبستگی رابطه‌ی مشارکت اجتماعی و توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی $(r = ۰/۳۲^{++})$ است. (جدول ۵)

^۲ علامت ++ به معنی این است که نتیجه‌ی بدست آمده در سطح بسیار بسیار زیاد معنی دار بوده و قابلیت تعمیم دارد.



رابطه اعتماد اجتماعی با توانایی ایفای نقش اجتماعی: اعتماد اجتماعی حاصل از برآورده نمودن انتظارات و پیش بینی پذیر بودن شرایط است. نتایج نشان می‌دهد هرچقدر اعتماد اجتماعی دانشجویان بیشتر بوده توانایی ایفای نقش آنان نیز بیشتر بوده است. ضریب همبستگی بدست آمده از این رابطه $(r = 0/34^{++})$ است. (جدول ۵)

رابطه تعهد اجتماعی با توانایی ایفای نقش اجتماعی: تعهد اجتماعی به معنی پای بندی به نقش‌های اجتماعی است. افرادی که تعهد اجتماعی بیشتری داشته‌اند، توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی بیشتری داشته‌اند. رابطه‌ی بین تعهد اجتماعی و توانایی ایفای نقش $(r = 0/23^{++})$ می‌باشد. (جدول ۵)

شرایط سیاسی دانشجویان: شرایط سیاسی از ۲ عنصر مشروعیت نظام و احساس آزادی تشکیل شده است. ۹/۹ درصد پاسخگویان از شرایط سیاسی خیلی خیلی خوب، ۱۳ درصد خیلی خوب، ۱۴/۶ درصد خوب، ۱۷/۸ درصد ضعیف، ۱۸/۸ درصد خیلی ضعیف و ۲۶ خیلی خیلی ضعیف بوده است. میانگین چگونگی شرایط سیاسی پاسخگویان ۲/۹۹ از ۶ می‌باشد یعنی ضعیف می‌باشد. (جدول ۵)

رابطه شرایط سیاسی با توانایی ایفای نقش اجتماعی: هر چه افراد از شرایط سیاسی بهتری برخوردار بوده‌اند، توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی آنان نیز بیشتر بوده‌است. همبستگی این رابطه $(r = 0/33^{++})$ است که رابطه‌ای نسبتاً متوسط بین آنهاست. عبارتی افرادی که نظام سیاسی حاکم بر جامعه را بیشتر قبول داشته و در این نظام احساس آزادی می‌کنند توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی بهتری داشته‌اند.

رابطه مشروعیت سیاسی با توانایی ایفای نقش اجتماعی: کسانی که مشروعیت سیاسی بیشتری برای نظام قائل بودند توانایی بیشتری برای ایفای نقش اجتماعی داشته‌اند. رابطه‌ی بین مشروعیت نظام و ایفای نقش $(r = 0/35^{++})$ است.

رابطه احساس آزادی با توانایی ایفای نقش اجتماعی: رابطه‌ی احساس آزادی با توانایی برای ایفای نقش اجتماعی $(r = 0/21^{++})$ می‌باشد که نشان می‌دهد هرچقدر افراد در جامعه احساس آزادی بیشتری داشته باشند توانایی بیشتر برای ایفای نقش اجتماعی خود دارند. (جدول ۵)

شرایط فرهنگی دانشجویان: شرایط فرهنگی دانشجویان یکی از عوامل موثر بر ایفای نقش اجتماعی می‌باشد هر چه قدر شرایط فرهنگی مهیاتر باشد افراد نقش‌های خود را بهتر ایفای می‌کنند. شرایط فرهنگی از ۴ عامل هویت ملی، پایبندی دینی، عدم اعتقاد به لیبرالیسم و امید به آینده تشکیل شده است. ۷/۳ درصد پاسخگویان از شرایط فرهنگی خیلی خیلی خوب، ۱۹/۸ درصد خیلی خوب، ۲۷/۷ درصد خوب، ۳۱/۹ درصد ضعیف و ۱۲/۵ درصد ضعیف، ۰/۷ درصد خیلی خیلی ضعیف بوده است. میانگین چگونگی شرایط فرهنگی پاسخگویان ۳/۷۵ از ۶ می‌باشد که بین خوب تا ضعیف قرار دارد. (جدول ۵)

رابطه شرایط فرهنگی با توانایی ایفای نقش اجتماعی: همبستگی شرایط فرهنگی با توانایی ایفای نقش اجتماعی $(r = 0/29^{++})$ است که رابطه‌ای متوسط بین آنهاست. عبارتی هر چقدر افراد شرایط فرهنگی بهتری داشته باشند توانایی ایفای نقش بهتری نیز خواهند داشت. (جدول ۵)

رابطه هویت ملی با توانایی ایفای نقش اجتماعی: پاسخگویانی که هویت ملی قوی‌تری داشته‌اند توانایی ایفای نقش اجتماعی بیشتری هم داشته‌اند. ضریب همبستگی بدست آمده در این رابطه $(r = 0/34^{++})$ می‌باشد. قابل ذکر است هویت ملی در بین معرف‌های شرایط فرهنگی دانشجویان قوی‌ترین رابطه را با توانایی به ایفای نقش داشته است. (جدول ۵)

رابطه امید به آینده و توانایی ایفای نقش اجتماعی: امیدواری به آینده می‌تواند بر رفتار افراد به گونه‌ای اثر گذار باشد که به ایفای بهتر نقش‌های اجتماعی آنان منجر شود. به نظر می‌رسد در شرایط اجتماعی ما بویژه در نسل جوان ناامیدی به آینده بیش از امیدواری باشد و این امر موجب شده است افراد در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون بطور شایسته



ایفای نقش نمایندند. هرچقدر امید دانشجویان به آینده بیشتر بوده، از توانایی ایفای نقش اجتماعی بیشتری برخوردار بوده اند، این نتیجه از ضریب همبستگی ($r = 0/32++$) بدست آمده است. (جدول ۵)

رابطه پای‌بندی دینی توانایی ایفای نقش اجتماعی: همبستگی پای‌بندی دینی با توانایی برای ایفای نقش اجتماعی ($r = 0/28++$) بوده است و حاکی از آن است که افرادی که به دین بیشتر پای‌بند بوده‌اند توانایی بیشتری نیز در ایفای نقش های اجتماعی خود داشته‌اند. (جدول ۵)

رابطه‌ی عدم اعتقاد به لیبرالیسم توانایی ایفای نقش اجتماعی: پاسخگویی که اعتقادات لیبرالیستی کمتری داشته‌اند توانایی ایفای نقش بیشتری داشته‌اند. ضریب همبستگی این رابطه ($r = 0/18++$) می‌باشد. (جدول ۵)

شرایط اقتصادی دانشجویان: همانطور که قبلاً گفته شد شرایط اقتصادی دانشجویان یکی از عوامل موثر بر ایفای نقش اجتماعی می‌باشد. ۲/۶ درصد پاسخگویان از شرایط اقتصادی خیلی خوب، ۷/۸ درصد خوب، ۱۷/۶ درصد متوسط، ۴۶/۲ درصد ضعیف و ۲۵/۸ درصد خیلی ضعیف بوده است. میانگین چگونگی شرایط اقتصادی پاسخگویان ۲/۱۵ از ۵ می‌باشد که بین خوب تا ضعیف قرار دارد. (جدول ۵)

رابطه شرایط اقتصادی با توانایی ایفای نقش اجتماعی: افرادی که شرایط اقتصادی بهتری داشته‌اند، از توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی ضعیف‌تری برخوردار بوده‌اند. همبستگی شرایط اقتصادی با ایفای نقش اجتماعی ($r = -0/11++$) است که رابطه‌ای نسبتاً ضعیف بین آنهاست. (جدول ۵)

شرایط دانشجویان:

از ترکیب ابعاد فوق (بعد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی) شاخص شرایط دانشجویان بوجود آمده است. افرادی که شرایطشان مهیاتر بوده، توانایی بیشتری برای ایفای نقش‌های اجتماعی خود را دارند. همبستگی شرایط دانشجویان با توانایی ایفای نقش اجتماعی ($r = 0/29++$) است که رابطه‌ای نسبتاً متوسط بین آنهاست. (جدول ۵)

جدول ۵) همبستگی شرایط دانشجویان و ابعاد آن با ایفای نقش های اجتماعی و ابعاد آن

ایفای نقش اجتماعی	سایر نقش های اجتماعی			نقش شغلی			نقش علمی			شاخص
	شاخص سایر نقش های اجتماعی	اخلاق اجتماعی	زندگی سالم	نقش شغلی	ارزش های شغلی	ارتباط شغلی	نقش علمی	توانایی علمی	روشهای علمی	
$r = 0/41++$	$r = 0/37++$	$r = 0/31++$	$r = 0/25++$	$r = 0/31++$	$r = 0/34++$	$r = 0/22++$	$r = 0/28++$	$r = 0/31++$	$r = 0/31++$	بعد اجتماعی
$r = 0/29++$	$r = 0/35++$	$r = 0/48++$	$r = 0/06+$	$r = 0/17++$	$r = 0/27++$	$r = 0/09++$	$r = 0/16++$	$r = 0/08++$	$r = 0/14++$	بعد فرهنگی
$r = 0/33++$	$r = 0/37++$	$r = 0/45++$	$r = 0/12++$	$r = 0/22++$	$r = 0/28++$	$r = 0/14++$	$r = 0/19++$	$r = 0/07++$	$r = 0/20++$	بعد سیاسی
$r = -0/11++$	$r = -0/13++$	$r = -0/12++$	$r = -0/109++$	$r = -0/08++$	$r = -0/06+$	-	-	-	-	بعد اقتصادی
$r = 0/29++$	$r = 0/36++$	$r = 0/41++$	$r = 0/09+$	$r = 0/17++$	$r = 0/25++$	$r = 0/09+$	$r = 0/21++$	$r = 0/15++$	$r = 0/18++$	شرایط دانشجویان

شرایط دانشگاهی: در شرایط دانشگاهی دانشجویان ۳ عنصر رضایت از دانشگاه، پرورش خلاقیت و چگونگی اداره علمی دانشگاه بررسی شده و نتایج آن به شرح زیر می‌باشد:

رضایت از دانشگاه: همانطور که قبلاً گفته شد رضایت دانشجویان از دانشگاه یکی از عوامل موثر بر ایفای نقش اجتماعی می‌باشد هر چه رضایت افراد از دانشگاه تحصیلی بیشتر باشد افراد توانایی بیشتری برای ایفای نقش دارند. شرایط دانشگاهی از ۵ عنصر رضایت از اساتید، استفاده از منابع به روز، رضایت از دانشگاه، میزان برآورده شده انتظارات بطور کلی و انتظارات علمی، احتمال انتخاب دوباره رشته تحصیلی تشکیل شده است. رضایت دانشجویان از دانشگاه ۳/۵ درصد خیلی زیاد، ۱۹/۶ درصد خیلی زیاد، ۴۱/۵ درصد زیاد، ۲۷/۵ درصد کم و ۶/۶ درصد خیلی کم، ۱/۳ درصد خیلی کم بوده است. میانگین رضایت از دانشگاه پاسخگویان ۳/۸۲ از ۶ می‌باشد که بین کم تا زیاد قرار دارد.



رابطه رضایت از دانشگاه و اجزای آن با توانایی برای ایفای نقش اجتماعی: افرادی که رضایت بیشتری از دانشگاه داشته اند، توانایی بیشتری برای ایفای نقش های اجتماعی دارند. همبستگی رضایت از دانشگاه با توانایی ایفای نقش اجتماعی ($r = 0/41++$) است که رابطه‌ای نسبتاً قوی بین آنهاست.

رضایت از دانشگاه دارای ابعادی است که رابطه آنها با توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی دانشجویان بدین شرح است: رضایت از اساتید بیشترین رابطه را با همبستگی ($r = 0/44++$) با توانایی ایفای نقش داشته است. برآورده شدن انتظارات با همبستگی ($r = 0/37++$)، برآورده شدن انتظارات علمی با همبستگی ($r = 0/35++$)، رضایت از تناسب منابع تدریس با مسائل روز ($r = 0/32++$)، رضایت از رشته تحصیلی با همبستگی ($r = 0/17++$) و رضایت دانشجویان از دانشگاه‌ها با توجه به هزینه‌هایی که متحمل می‌شوند نیز با همبستگی ($r = 0/34++$) با توانایی ایفای نقش آنها رابطه داشته‌اند. در تمامی این موارد شاهد آن هستیم که تقویت موارد بررسی شده موجب افزایش توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی دانشجویان می‌گردد.

چگونگی اداره علمی دانشگاه‌ها: همانطور که قبلاً گفته شد در این تحقیق چگونگی اداره علمی دانشگاه‌ها یکی از عوامل موثر بر توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی در نظر گرفته شده است. چگونگی اداره علمی دانشگاه با ۱۳ عمل جزئی استفاده از اساتید مدعو، استفاده از اساتید خارجی، تجربه علمی دانشجویان و ... بررسی شده است. از نظر ۰/۶ درصد پاسخگویان دانشگاه‌ها دارای شرایط علمی خیلی خیلی خوب، ۴/۲ درصد خیلی خوب، ۲۳/۵ درصد خوب، ۴۲/۶ درصد ضعیف و ۲۶/۱ درصد ضعیف، ۳ درصد خیلی خیلی ضعیف بوده‌اند. میانگین شرایط اداره علمی دانشگاه‌ها از نظر پاسخگویان ۳/۰۱ از ۶ می‌باشد که در حد متوسط و یا بین خوب تا ضعیف قرار دارد.

رابطه شاخص چگونگی اداره علمی دانشگاه و اجزای آن با توانایی ایفای نقش: افرادی که ارزیابی بهتری از اداره علمی دانشگاه داشته اند از توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی بهتری هم برخوردار بوده‌اند. همبستگی چگونگی اداره علمی دانشگاه‌ها با ایفای نقش‌ها اجتماعی ($r = 0/39++$) است که رابطه‌ای نسبتاً قوی بین آنهاست.

همکاری و مشارکت دانشجویان در کارهای تحقیقاتی به صورت عملی با همبستگی ($r = 0/39++$)، برگزاری سخنرانی‌های عملی با همبستگی ($r = 0/25++$)، برگزاری همایش‌های علمی با همبستگی ($r = 0/22++$)، استفاده از اساتید مدعو و اساتید خارجی برای سخنرانی یا تدریس به ترتیب با همبستگی ($r = 0/25++$) و ($r = 0/15++$)، امکان مشارکت در فعالیت‌های گروه با همبستگی ($r = 0/29++$)، امکان نقد محتوای کلاس‌ها و برنامه‌های آموزشی و نحوه اداره گروه‌های آموزشی با همبستگی ($r = 0/38++$)، آموزش مهارت‌های لازم برای آنکه دانشجویان بتوانند فعالیت‌های دانشجویی خود را بهتر انجام دهند با همبستگی ($r = 0/42++$) با توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی دانشجویان رابطه داشته‌اند. این نتایج می‌تواند راهنمای خوبی برای مسئولین دانشگاه‌ها و مدیران گروه‌های آموزشی باشد.

پرورش خلاقیت: پرورش خلاقیت دانشجویان یکی دیگر از وظایف مهم دانشگاه‌ها می‌باشد. در مجموع میزان خلاقیت در بین دانشجویان ۲/۶ درصد خیلی خیلی زیاد، ۱۸/۲ درصد خیلی زیاد، ۴۴/۸ درصد زیاد، ۲۶/۳ درصد کم، ۶/۶ درصد خیلی کم و ۱/۵ درصد خیلی خیلی کم بوده است. میانگین خلاقیت پاسخگویان ۳/۷۹ از ۶ یعنی تقریباً زیاد می‌باشد.

رابطه پرورش خلاقیت و اجزای آن با توانایی ایفای نقش اجتماعی: افرادی که خلاقیت بیشتری داشته‌اند، توانایی بیشتری برای ایفای نقش دارند. همبستگی پرورش خلاقیت با توانایی ایفای نقش اجتماعی ($r = 0/39++$) است که رابطه‌ای نسبتاً قوی بین آنهاست.

شاخص شرایط دانشگاهی دانشجویان:



از ترکیب موارد فوق شاخص شرایط دانشگاهی دانشجویان حاصل شده‌است. دانشجویانی که شرایط دانشگاهی بهتری داشته‌اند، توانایی نقش‌های اجتماعی بیشتری نیز داشته‌اند. همبستگی شرایط دانشگاهی با توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی ($r = 0/50++$) است که رابطه‌ای نسبتاً قوی است. (جدول ۶)

جدول (۶): همبستگی شرایط دانشگاهی و ابعاد آن با ایفای نقش‌های اجتماعی و ابعاد آن

ایفای نقش اجتماعی	سایر نقش‌های اجتماعی			نقش شغلی			نقش علمی			شاخص
	سایر نقش‌های اجتماعی	اخلاق اجتماعی	زندگی سالم	نقش شغلی	ارزش‌های شغلی	ارتباط شغلی	نقش علمی	توانایی علمی	روش‌های علمی	
$r = 0/41++$	$r = 0/32++$	$r = 0/24++$	$r = 0/24++$	$r = 0/58++$	$r = 0/36++$	$r = 0/24++$	$r = 0/52++$	$r = 0/44++$	$r = 0/60++$	رضایت از دانشگاه
$r = 0/52++$	$r = 0/39++$	$r = 0/17++$	$r = 0/30+$	$r = 0/50++$	$r = 0/53++$	$r = 0/37++$	$r = 0/58++$	$r = 0/18++$	$r = 0/43++$	خلاقیت
$r = 0/51++$	$r = 0/32++$	$r = 0/08++$	$r = 0/40++$	$r = 0/50++$	$r = 0/42++$	$r = 0/44++$	$r = 0/54++$	$r = 0/20++$	$r = 0/55++$	اداره علمی
$r = 0/50++$	$r = 0/39++$	$r = 0/19++$	$r = 0/42+$	$r = 0/58++$	$r = 0/53++$	$r = 0/48++$	$r = 0/69++$	$r = 0/32++$	$r = 0/68++$	شرایط دانشگاه

تحلیل چند متغیری توانایی ایفای نقش اجتماعی با عوامل موثر:

همانطور که در جدول (۷) مشخص است از ۷ متغیر وارد شده به معادله رگرسیون، رابطه ۶ متغیر معنادار بوده است. نتایج به دست آمده بیانگر آن است رابطه‌ی متغیرهای فوق با توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی بطور همزمان $R^2 = 0/687$ می‌باشد و می‌توانند $R^2 = 0/47$ از تغییرات توانایی ایفای نقش دانشجویان را تبیین نمایند. هنگامی که توان تبیین تغییرات با توجه به تعداد متغیرهای وارد شده در معادله در نظر گرفته می‌شود این ضریب به $0/463$ $Adjusted R^2 =$ تقلیل می‌یابد. بطور همزمان بیشترین سهم تبیین (و با احتیاط تاثیر بر) توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی را به ترتیب رضایت از دانشگاه $\beta = 0/314$ ، چگونگی اداره علمی دانشگاه $\beta = 0/224$ ، شرایط اجتماعی دانشجویان $\beta = 0/210$ ، خلاقیت $\beta = 0/169$ ، شرایط سیاسی دانشجویان $\beta = 0/126$ و شرایط اقتصادی دانشجویان $\beta = -0/092$ به عهده داشته‌اند. معادله‌ی رگرسیونی آن که با روش stepwise محاسبه شده به صورت زیر می‌باشد:

$$(26/863) = \text{توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی دانشجویان}$$

$$+ (1/789) \text{ رضایت دانشجویان از دانشگاه}$$

$$+ (0/681) \text{ شرایط اجتماعی دانشجویان}$$

$$+ (1) \text{ پرورش خلاقیت}$$

$$+ (0/710) \text{ چگونگی اداره علمی دانشگاه}$$

$$+ (0/319) \text{ شرایط سیاسی دانشجویان}$$

$$- (0/182) \text{ شرایط اقتصادی دانشجویان}$$

مقادیر b متغیرهای مختلف در این معادله به معنی آن است که به ازای یک واحد تغییر در رضایت از دانشگاه $b = 1/789$ واحد افزایش در توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی را شاهد خواهیم بود. این مقادیر برای شرایط اجتماعی دانشجویان $b = 0/681$ ، برای پرورش خلاقیت $b = 1$ ، برای چگونگی اداره علمی دانشگاه $b = 0/710$ ، برای شرایط سیاسی دانشجویان $b = 0/319$ و برای شرایط اقتصادی دانشجویان $b = -0/182$ می‌باشد.



نتایج بدست آمده از تحلیل چند متغیری گویای این است که عوامل مرتبط با دانشگاه تاثیر بیشتری بر ارتقاء توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی دارد. (جدول ۷)

جدول (۷): تحلیل چند متغیری توانایی ایفای نقش اجتماعی با عوامل مؤثر

عوامل مؤثر	R	R^*	Adjusted R^*	β	b	مقدار T	معنی داری
رضایت از دانشگاه	۰/۵۴۲	۰/۲۹۴	۰/۲۹۲	۰/۳۱۴	۱/۷۸۹	۶/۳۷۹	۰/۰۰۰
شرایط اجتماعی دانشجویان	۰/۶۲۳	۰/۳۸۸	۰/۳۸۵	۰/۲۱۰	۰/۶۸۱	۴/۷۲۳	۰/۰۰۰
خلاقیت	۰/۶۴۸	۰/۴۲۰	۰/۴۱۵	۰/۱۶۹	۱	۴/۰۳۲	۰/۰۰۰
اداره علمی دانشگاه	۰/۶۶۸	۰/۴۴۶	۰/۴۳۹	۰/۲۲۴	۰/۷۱۰	۴/۴۸۵	۰/۰۰۰
شرایط سیاسی دانشجویان	۰/۶۸۱	۰/۴۶۴	۰/۴۵۶	۰/۱۳۶	۰/۳۱۹	۲/۹۸۵	۰/۰۰۳
شرایط اقتصادی دانشجویان	۰/۶۸۷	۰/۴۷۲	۰/۴۶۳	۰/۰۹۲	۰/۱۸۲	-۲/۲۸۵	۰/۰۲

تحلیل چند متغیری توانایی ایفای نقش اجتماعی با اجزای شرایط دانشجویان:

همانطور که در جدول (۸) مشخص است از ۱۱ متغیر وارد شده به معادله رگرسیون، رابطه ۶ متغیر معنادار بوده است. نتایج به دست آمده بیانگر آن است رابطه‌ی متغیرهای فوق با توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی بطور همزمان $R = 0/560$ می‌باشد و می‌توانند $R^* = 0/33$ از تغییرات توانایی ایفای نقش دانشجویان را تبیین نمایند. هنگامی که توان تبیین تغییرات با توجه به تعداد متغیرهای وارد شده در معادله در نظر گرفته می‌شود این ضریب به $0/325$ $Adjusted R^* =$ تقلیل می‌یابد. بطور همزمان بیشترین سهم تبیین (و با احتیاط تاثیر بر) توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی را به ترتیب شاخص امید به آینده $\beta = 0/281$ ، شاخص هویت ملی $\beta = 0/145$ ، مشارکت اجتماعی $\beta = 0/229$ ، طبقه اجتماعی $\beta = -0/163$ و تعهد اجتماعی $\beta = 0/145$ به عهده داشته‌اند. معادله‌ی رگرسیونی آن به صورت زیر می‌باشد:

$$T = (65/268) = \text{توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی دانشجویان}$$

$$+ (0/681) \text{ شاخص امید به آینده}$$

$$+ (1/042) \text{ شاخص هویت ملی}$$

$$+ (9/666) \text{ مشارکت اجتماعی}$$

$$- (2/887) \text{ طبقه اجتماعی}$$

$$+ (2/148) \text{ اعتماد اجتماعی}$$

مقادیر b متغیرهای مختلف در این معادله به معنی آن است که به ازای یک واحد تغییر در امید به آینده $b = 3/507$ واحد افزایش در توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی را شاهد خواهیم بود. این مقادیر برای شاخص هویت ملی دانشجویان $b = 1/042$ ، برای مشارکت اجتماعی $b = 9/666$ ، برای طبقه اجتماعی $b = -2/887$ و برای اعتماد اجتماعی $b = 2/148$ می‌باشد. (جدول ۸)

جدول (۸): تحلیل چند متغیری توانایی ایفای نقش اجتماعی با اجزای شرایط دانشجویان



معنی‌داری	مقدار T	b	β	$Adjusted R^2$	R^2	R	عوامل مؤثر
۰/۰۰۰	۷/۱۸۴	۳/۵۰۷	۰/۲۸۱	۰/۱۱۹	۰/۱۲۱	۰/۳۴۷	شاخص امید به آینده
۰/۰۰۱	۳/۴۳۷	۱/۰۴۲	۰/۱۴۵	۰/۲۰۲	۰/۲۰۶	۰/۴۵۳	شاخص هویت ملی
۰/۰۰۰	۵/۹۱۴	۹/۶۶۶	۰/۲۲۹	۰/۲۴۹	۰/۲۵۴	۰/۵۰۴	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۰	-۴/۱۷۶	-۲/۸۸۷	-۰/۱۶۳	۰/۲۸۴	۰/۲۹۰	۰/۵۳۸	طبقه اجتماعی
۰/۰۰۰	۴/۲۳۵	۱/۱۷۲	۰/۱۷۵	۰/۳۰۶	۰/۳۱۳	۰/۵۶۰	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۳/۷۴۲	۲/۱۴۸	۰/۱۴۵	۰/۳۲۵	۰/۳۳۳	۰/۵۷۷	تعهد اجتماعی

تحلیل چند متغیری توانایی ایفای نقش اجتماعی با اجزای شرایط دانشگاهی دانشجویان:

همانطور که در جدول (۹) مشخص است از ۲۱ متغیر وارد شده به معادله رگرسیون، رابطه ۱۰ متغیر معنادار بوده است. نتایج به دست آمده بیانگر آن است رابطه‌ی متغیرهای فوق با توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی بطور همزمان $R=0/674$ می‌باشد و می‌توانند $R^2=0/45$ از تغییرات توانایی ایفای نقش دانشجویان را تبیین نمایند. هنگامی که توان تبیین تغییرات با توجه به تعداد متغیرهای وارد شده در معادله در نظر گرفته می‌شود این ضریب به $0/446$ $Adjusted R^2 =$ تقلیل می‌یابد. بطور همزمان بیشترین سهم تبیین (و با احتیاط تاثیر بر) توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی را به ترتیب رضایت از دانشگاه در برابر هزینه‌ها $\beta = 0/176$ ، آموزش نحوه درس خواندن $\beta = 0/166$ ، رضایت از اساتید $\beta = 0/160$ ، توانایی ترکیب راه حلها $\beta = 0/092$ ، امکان مشارکت در دانشگاه $\beta = 0/115$ ، توانایی ارائه راه حل جدید $\beta = 0/138$ ، میزان برآورده شدن انتظارات $\beta = 0/117$ ، میزان قبول راه حل‌های ارائه شده $\beta = 0/110$ ، تجربه علمی $\beta = 0/090$ ، و امکان نقد در دانشگاه $\beta = 0/085$ به عهده داشته‌اند. معادله‌ی رگرسیونی آن به صورت زیر می‌باشد:

$$(69/352) = \text{توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی دانشجویان}$$

- + رضایت از اساتید (۳/۴۲۰)
- + ترکیب راه حلها (۲/۰۸۸)
- + آموزش نحوه درس خواندن (۳/۶۴۰)
- + رضایت از دانشگاه در برابر هزینه‌ها (۳/۷۹۱)
- + امکان مشارکت در دانشگاه (۲/۹۸۵)
- + ارائه راه حل جدید (۳/۵۲۸)
- + برآورده شدن انتظارات (۳/۱۲۹)
- + قبول راه حل‌های ارائه شده (۲/۲۲۶)
- + تجربه عملی (۲/۰۱۴)
- + امکان نقد در دانشگاه (۱/۹۷۸)

مقادیر b متغیرهای مختلف در این معادله به معنی آن است که به ازای یک واحد تغییر در رضایت از اساتید $b = 3/420$ واحد افزایش در توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی را شاهد خواهیم بود. این مقادیر برای توانایی ترکیب راه حلها $b = 2/088$ ، برای آموزش نحوه درس خواندن $b = 3/640$ ، برای رضایت از دانشگاه در برابر



هزینه ها $b = 3/791$ ، برای امکان مشارکت در دانشگاه $b = 2/985$ ، برای توانایی ارائه راه حل جدید $3/528$ $b =$ ، برای برآورده شدن انتظارات $b = 3/129$ ، برای قبول راه حل‌های ارائه شده $b = 2/226$ ، برای تجربه عملی $b = 2/014$ ، برای امکان نقد در دانشگاه $b = 1/978$ می‌باشد.

جدول (۹): تحلیل چند متغیری توانایی ایفای نقش اجتماعی با اجزای شرایط دانشگاهی

عوامل مؤثر	R	R^2	Adjusted R^2	β	b	مقدار T	معنی داری
رضایت اساتید	۰/۴۲۵	۰/۱۸۰	۰/۱۷۹	۰/۱۶۰	۳/۴۲۰	۴/۶۱۹	۰/۰۰۰
ترکیب راه حل‌ها	۰/۵۱۶	۰/۲۶۶	۰/۲۶۴	۰/۰۹۲	۲/۰۸۸	۲/۵۶۸	۰/۰۱
آموزش نحوه درس خواندن	۰/۵۷۱	۰/۳۲۶	۰/۳۲۳	۰/۱۶۶	۳/۶۴۰	۴/۹۴۲	۰/۰۰۰
رضایت از دانشگاه در برابر هزینه	۰/۶۱۶	۰/۳۷۹	۰/۳۷۵	۰/۱۷۶	۳/۷۹۱	۵/۵۲۶	۰/۰۰۰
امکان مشارکت در دانشگاه	۰/۶۳۳	۰/۴۰۱	۰/۳۹۶	۰/۱۱۵	۲/۹۸۵	۳/۳۷۵	۰/۰۰۱
ارائه راه حل جدید	۰/۶۴۵	۰/۴۱۶	۰/۴۱۱	۰/۱۳۸	۳/۵۲۸	۴/۲۰۳	۰/۰۰۰
میزان برآورده شدن انتظارات	۰/۶۵۷	۰/۴۳۱	۰/۴۲۵	۰/۱۱۷	۳/۱۲۹	۳/۶۷۲	۰/۰۰۰
میزان قبول راه حل‌های ارائه شده	۰/۶۶۴	۰/۴۴۱	۰/۴۳۴	۰/۱۱۰	۲/۲۲۶	۳/۳۵۰	۰/۰۰۱
تجربه عملی	۰/۶۷۰	۰/۴۴۹	۰/۴۴۱	۰/۰۹۰	۲/۰۱۴	۲/۹۸۷	۰/۰۰۳
امکان نقد در دانشگاه	۰/۶۷۴	۰/۴۵۴	۰/۴۴۶	۰/۰۸۵	۱/۹۷۸	۲/۴۹۴	۰/۰۱

۶. نتیجه گیری و پیشنهادات:

نقش مجموعه انتظارات اعضای گروه از فردی است که در یک موقعیت اجتماعی خاص قرار می‌گیرد و افراد این انتظارات یا هنجارها و ارزش‌های مرتبط با موقعیت اجتماعی را در فرایند اجتماعی شدن خود درونی می‌کنند. نظم اجتماعی انتظارات آگاهانه نهادینه شده از نقش‌هاست و دانشگاه بخشی از ساختار اجتماعی نهاد علم در جوامع جدید است و در کنار سایر نهادهای اجتماعی کننده، نقش مهمی در ارتقاء توانایی دانشجویان برای پذیرش و ایفای نقش‌های اجتماعی آنان در فرایند اجتماعی نمودن آنان دارد.

بطور متوسط میزان توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی دانشجویان $3/32$ از 6 یعنی در حد متوسط با انحراف معیار $0/80$ می‌باشد. این بدان معناست که که دانشگاه‌های ما در اجتماعی کردن دانشجویان برای ایفای نقش‌های اجتماعی که در حال حاضر به عهده دارند و یا در آینده به عهده خواهند گرفت از توفیق نسبی برخوردارند. لازم است برنامه ریزان آموزش عالی به مهم توجه بیشتری داشته باشند.

هرچند که به دلیل وجود برخی محدودیت‌ها مقاله موفق به سنجش دقیق تعادل و جهت گیری اداره امور دانشگاه‌ها نشده است، اما شواهد بیانگر آن است که تعادل و جهت گیری مطلوب در اداره دانشگاه در حد قابل انتظار و لازم نیست. برای رفع این نقیصه لازم است در توانمند سازی دانشجویان برای ایفای نقش‌های اجتماعی خود بویژه نقش‌های غیر شغلی و همچنین توجه دادن دانشجویان به هدف غایی خلقت انسان در ایفای نقش‌های اجتماعی برنامه ریزی لازم صورت گیرد. نسبت نظم موجود به نظم کامل $0/295$ محاسبه شد که بیانگر فاصله زیاد نظم موجود با نظم کامل می‌باشد. این تفاوت زیاد بیشتر ناشی از عدم تعادل در رشد و عدم توجه به جهت گیری در فعالیت دانشگاه‌هاست.



کمترین توانایی ایفای نقش در دانشجویان شاخه فنی و مهندسی، دانشجویانی که با سهمیه منطقه ۱ وارد دانشگاه شده اند و دانشجویانی که ساکن مراکز استان‌ها بوده اند می‌باشد. این امر ضرورت توجه بیشتر به این دانشجویان را گوشزد می‌نماید.

اما برنامه ریزان در برنامه ریزی خود به چه عواملی باید توجه داشته باشند سؤال مهم تری است که باید به آن پاسخگویی شود. براساس یافته‌های این مقاله شرایط اجتماعی دانشجویان رابطه‌ای نسبتاً قوی با توانایی ایفای نقش آنان داشته است. دانشجویان طبقات پایین و متوسط توانایی بیشتری در ایفای نقش‌های اجتماعی داشته اند. ضرورت دارد ضمن تسهیل شرایط ورود و تحصیل دانشجویان این طبقات، به فرایند آموزش دانشجویان طبقات بالا توجه بیشتری داشته باشند. همچنین فراهم نمودن امکان مشارکت اجتماعی، افزایش اعتماد و تعهد اجتماعی دانشجویان نیز می‌تواند با افزایش توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی دانشجویان همراه باشد.

بهبود شرایط سیاسی دانشجویان با توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی آنان نیز رابطه‌ی ۰/۳۳ داشته است. بعبارتی افرادی که نظام سیاسی حاکم بر جامعه را بیشتر قبول داشته و در این نظام احساس آزادی می‌کنند توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی بهتری هم داشته‌اند. افزایش مشروعیت سیاسی نظام و احساس آزادی بیشتر موجب بهبود شرایط سیاسی و افزایش توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی خواهد شد.

هر چقدر دانشجویان شرایط فرهنگی بهتری داشته باشند توانایی ایفای نقش بهتری نیز خواهند داشت. تقویت هویت ملی، افزایش امید به آینده و پای بندی دینی دانشجویان با موجب بهتر شدن شرایط فرهنگی دانشجویان و افزایش توانایی ایفای نقش آنان می‌شود.

همسو با شرایط طبقاتی افراد، شرایط اقتصادی رابطه‌ای معکوس با توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی داشته است. این رابطه متاثر از شرایط فرهنگی اجتماعی و سیاسی افراد است. متأسفانه برخوردارها تعهد کمتری به جامعه دارند و این امر خود را در زمینه‌های مختلف از جمله توانایی ایفای نقش‌ها اجتماعی نشان می‌دهد.

دسته دیگری از عوامل که با توانایی ایفای نقش دانشجویان رابطه داشته‌اند شرایط دانشگاهی آنهاست، هرچه افراد از شرایط دانشگاهی بهتری برخوردار بوده اند توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی آنان نیز بیشتر بوده است. افزایش رضایت دانشجویان از دانشگاه خود که متاثر از رضایت از اساتید، برآورده شدن انتظارات بویژه انتظارات علمی، رضایت از تناسب منابع تدریس با مسائل روز، رضایت از رشته تحصیلی است، با افزایش توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی آنها همراه خواهد بود.

همچنین همکاری و مشارکت دانشجویان در کارهای تحقیقاتی، ارزیابی بهتر آنان از اداره علمی دانشگاه، برگزاری سخنرانی‌های عملی، برگزاری همایش‌های علمی، استفاده از اساتید مدعو و اساتید خارجی برای سخنرانی یا تدریس، امکان مشارکت در فعالیت‌های گروه، امکان نقد محتوای کلاس‌ها، برنامه‌های آموزشی و اداره گروه‌های آموزشی، آموزش مهارت‌های لازم برای آنکه دانشجویان بتوانند فعالیت‌های دانشجویی خود را بهتر انجام دهند و پرورش خلاقیت دانشجویان موجب بهبود شرایط دانشگاهی دانشجویان گشته و با افزایش بیشتر توانایی نقش‌های اجتماعی آنان همراه است. این نتایج می‌تواند راهنمای خوبی برای مسئولین دانشگاه‌ها و مدیران گروه‌های آموزشی باشد.



بطور همزمان به ترتیب عوامل رضایت از دانشگاه، چگونگی اداره علمی دانشگاه، شرایط اجتماعی دانشجویان، پرورش خلاقیت آنان، شرایط سیاسی دانشجویان و شرایط اقتصادی دانشجویان بیشترین سهم را در تبیین توانایی ایفای نقش دانشجویان داشته‌اند که می‌توانند راهنمای مسئولین در تشخیص اولویت‌ها برای برنامه ریزی‌ها باشند. این ترتیب برای عوامل مربوط به شرایط دانشجویان شاخص امید به آینده، شاخص هویت ملی، مشارکت اجتماعی، طبقه اجتماعی (رابطه معکوس) و تعهد اجتماعی و برای شرایط دانشگاهی دانشجویان رضایت از دانشگاه در برابر هزینه‌هایی که دانشجویان تحمل می‌کنند، آموزش نحوه انجام فعالیت‌های دانشگاهی، رضایت از اساتید، پرورش خلاقیت، امکان مشارکت در دانشگاه، میزان برآورده شدن انتظارات کلی، تجربه عملی، و امکان نقد در دانشگاه می‌باشد.

وظیفه خود می‌دانم از زحمات خانم مریم بختیاری و آقای کاظم حاجی زاده تشکر و قدردانی نمایم.

۷. منابع:

۱. آگ برن و نیم کوف (ترجمه: ام. آریان پور) زمینه جامعه‌شناسی، نشر گستره، ۱۳۸۰
۲. پرچمی، داود، "بررسی توسعه آموزش عالی در ایران"، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹
۳. پرچمی، داود، مطالعه تطبیقی رابطه‌ی نظم در جامعه و پیشرفت علمی. مجله تحلیل اجتماعی. شماره ۶۱/۴، ۱۳۹۰
۴. ترنر، جانانان، "مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی"، ترجمه عزیز بختیاری و محسن فولادی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸
۵. توسلی، غلامعلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۶۹
۶. چلبی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نشر نی، ۱۳۸۴
۷. ذوالفقاری زعفرانی، رشید، علیرضا علی نیا، "بررسی تاثیر نهاد خانواده و مدرسه بر جامعه پذیری دانش آموزان مقطع متوسطه منطقه رودهن"، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال سوم، شماره هشتم، ۱۳۸۹
۸. رابرتسون، یان، (ترجمه حسین بهروان) درآمدی بر جامعه، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲
۹. روزن باوم، هایدی (ترجمه محمد صادق مهدوی) خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷
۱۰. ریتزر، جورج (ترجمه: احمد رضا غروی زاد)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات ماجد، تهران، ۱۳۷۳
۱۱. زاهدی، مرتضی. تئوری مجموعه‌های فازی و کاربردهای آن. تهران: نشر کتاب دانشگاهی، ۱۳۷۸
۱۲. علاقه بند، علی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، نشر روان، تهران، ۱۳۷۸
۱۳. کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، فرهنگ ارشاد، نشر نی: تهران، ۱۳۷۸
۱۴. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، (ترجمه: غلامعباس توسلی، رضا فاضل)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۷۲
۱۵. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، تهران، ۱۳۸۶
۱۶. ماری روس، آن، بلاو (ترجمه: ابوالحسن سروقدمقدم) مفهوم نقش در روان‌شناسی اجتماعی مطالعات تاریخی انتقادی، چاپ اول، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۲

17. Draper, Alan, Ramsay, Ansil, 2008: THE GOOD SOCIETY, Longman Publishers.



18. Etzioni, Amitai, 1996: *The Responsive Community: A Communitarian Perspective*, *American Sociological Review*, Vol. 61, No. 1, pp. 1-11
19. Giddens. Antony. 2009. *Sociology*. Polity press. Cambridge. UK
20. Gould, Marie, Howson, Alexandra, 2011A : *Social Isolation and Human Development, The process of socialization*, salem press.
21. Gould, Marie, Howson, Alexandra, 2011B : *Resocialization and total Institution, The process of socialization*, salem press.
22. Gould, Marie, 2011 : *Socialization in school, The process of socialization*, salem press.
23. Grusec, J.E, Hastings, P.D, 2007: *Handbook of Socialization theory and research*, Guilford press.
24. Jordan, Patrick, 2010, *THE GOOD SOCIETY FRAMEWORK – UNDERSTANDING QUALITY OF LIFE*: www.patrickwjordan.net/uploads/files/GoodSocietyFrameworkPWJ.pdf
25. Kendall. Diana. 2010. *Sociology in our time*. 8th Edition. Wadsworth. USA
26. Lawson, Neal, Spours, Ken, 2011, *Education for the Good Society: The values and principles of, Compass – Direction for the Democratic Left Ltd a new comprehensive vision*
27. Turner Jonathan H. 1994. *Sociology: concepts and uses*. McGraw-Hill. USA